

حدیث درس

پیشگفتار

مجموعه احادیثی که در این کتاب به صورت موضوعی طبقه بندی شده اند حاصل تجربه حدیث خوانی چند دقیقه‌ای در ابتدای کلاسهای مختلف دانشگاهی است. قرائت حدیث در ابتدای کلاسهای درسی در تغییر فضای معنوی کلاسهای درسی تأثیر محسوسی دارد. بیشترین تأثیر معنوی این روش در گفتار و رفتار خود معلم خواهد بود. معلمی که با حدیث انس داشته باشد و با قال الصادق و قال الباقر شناخته شود، شخصیت متفاوتی خواهد یافت و این تنها بخشی از سودی است که حدیث خوانی به دنبال دارد. سود اصلی در بازدهی اخلاقی کلاسهای درسی و ماندگاری احادیث در فطرت و جان جوانان است.

با اینکه بسیاری از معلمان دبیرستانی و دانشگاهی نیاز به مضمون احادیث را احساس می‌کنند، اما یا از سر تواضع خود را در جایگاه وعظ و خطابه نمی‌بینند و یا اینکه از واکنش مخاطب جوان خود نگرانند. حل این دو مشکل خیلی ساده است: احادیث را خطاب به خودمان بخوانیم و به مخاطب نیز یادآور شویم که خود ما به این حدیث خوانی نیاز بیشتری داریم. مخاطب جوان به دلیل خود و هویت ارزشمندی که به تازگی کشف کرده است، از تحمیل گریزان و به دنبال انتخاب آزادانه است. اما روایتی که معلم در ابتدای کلاس فقط خطاب به دل خود و به دلیل نیاز خودش بخواند، تحمیلی نیست و چشمه زلالی است که به دل مخاطب جوان نیز می‌نشیند.

البته همیشه در ابتدای کار یک یا دو نفر اعتراض خود را به شیوه‌های متفاوت ابراز می‌کنند. این نشانه بدی نیست. چون معنایش این است که آنها احادیث را شنیده‌اند. اما در این اعتراض نیز حق به جانب آنهاست و باید به آنها یادآور شویم که خود معلم بیش از آنها به مضمون این احادیث نیازمند است و از آنها اجازه بگیریم که محتوای چند دقیقه ابتدای کلاس خطاب به خود معلم باشد. قطعاً اگر در این کسب اجازه صداقت معلم را حس کنند، جذب احادیث خواهند شد.

برخی از معلمان از ارتباط حدیث با موضوع درسی خود نگران هستند. در حالی که بیشتر ما سفارشهای اخلاقی خاصی را به یاد داریم که از معلم ریاضی یا زبان خود شنیده‌ایم. در واقع به هر اندازه که موضوع درس با موضوع اخلاق و حدیث فاصله داشته باشد، امکان ماندگاری مضمون احادیث در ذهن مخاطب بیشتر است. بسیاری از مخاطبین مضمون اصلی درس را تنها تا زمان امتحان در ذهن نگه می‌دارند. اما بیشتر آنها مضمون احادیث را برای یک عمر در گوشه ذهن خود حفظ و با آن زندگی خواهند کرد.

برخی این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا حق داریم وقت کلاس را به طور رسمی به موضوعی فرعی اختصاص دهیم. این دغدغه نیز به جاست و البته راه حل خاص به خود را دارد. در هیچ یک از روشهای کلاسهای بحثهای فرعی چند دقیقه‌ای خارج از عرف نیست و حتی برای تغییر فضای کلاس سفارش نیز می‌شود. یک معلم حق دارد این بخش از وقت کلاس را به حدیث اختصاص دهد. ضمن آنکه تقریباً هر کلاسی به دلیل عدم حضور به موقع برخی از مخاطبین با تأخیری چند دقیقه‌ای آغاز می‌شود و این زمان را می‌توان به قرائت حدیث اختصاص داد. در این صورت این جمله که «تا همه دوستان تشریف بیاورند یک روایت از امام صادق علیه‌السلام بشنویم» برای مخاطبین جمله‌آشنایی خواهد بود.

این مجموعه در طی چند سال و متناسب با نیازهای دانشجویی گردآوری شده و برای همه معلمان در رشته‌های مختلف قابل استفاده است. ترجمه احادیث تقریباً آزاد است و توجه به ابعاد مختلف پیام یک حدیث نیازمند دقت در متن عربی است. در مواردی نیز که تنها بخشی کوتاه از یک حدیث طولانی گزارش شده است، برای فهم بهتر محتوای حدیث رجوع به منبع اصلی مفید است.

والسلام

رضاصادقی

گروه فلسفه دانشگاه اصفهان

مقام ایمان

امام صادق علیه السلام: لَوْ أَنَّ اللَّعْبَادَ إِذَا جَهِلُوا وَقَفُوا وَ لَمْ يَجْحَدُوا لَمْ يَكْفُرُوا.^۱

اگر بندگان در آنچه نمی دانستند توقف می کردند و انکار نمی کردند هرگز کافر نمی شدند.^۲

^۱ الکافی، ج ۲، ۳۸۸.

^۲ در روایت دیگر آمده که انسان عاقل آنچه را نمی تواند بداند انکار نمی کند. امام صادق علیه السلام در بحث با یکی از ملحدین پس از آنکه به آن ملحد یادآوری می کنند که تو حتی از محیط مادی اطراف خودت هم به طور کامل آگاه نیستی می فرمایند: تعجب است از تو که به مشرق یا مغرب نرفته ای و به عمق زمین نرفته ای و از زمین نیز بالاتر نرفته ای (یعنی حتی از جهان مادی نیز به طور کامل آگاه نیستی) و با این حال آنچه را در پس این جهان مادی است انکار می کنی. آیا عاقل آنچه

امام صادق علیه السلام: إِنَّ الْقَلْبَ لَيَتَجَلَّجَلُ فِي الْجَوْفِ يَطْلُبُ الْحَقَّ فَإِذَا أَصَابَهُ اطْمَأَنَّ^۱

قلب در سینه در طلب حق بی‌قرار است. پس هنگامی که به حق رسید آرام می‌گیرد.

امام صادق علیه السلام: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ - وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَأَرْوَاحِهِمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ^۲ وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَتَّصِلُ بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا.^۱

را نمی‌شناسد انکار می‌کند: أ فَصَعِدَتِ السَّمَاءُ قَالَ: لَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أ فَتَدْرِي مَا فِيهَا. قَالَ لَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَجِبًا لَكَ لَمْ تَبْلُغِ الْمَشْرِقَ وَ لَمْ تَبْلُغِ الْمَغْرِبَ وَ لَمْ تَنْزِلِ الْأَرْضَ وَ لَمْ تَصْعَدِ السَّمَاءَ وَ لَمْ تَجْزُ هُنَاكَ فَتَعْرِفَ مَا خَلْفَهُنَّ وَ أَنْتَ جَاوِدٌ بِمَا فِيهِنَّ وَ هَلْ يَجْحَدُ الْعَاقِلُ مَا لَا يَعْرِفُ (الكافي، ج ۱، ص ۷۳)

قوای شناختی انسان حتی توانایی شناخت همه ابعاد جهان مادی را نیز ندارند. بنابراین چگونه می‌توان انتظار داشت با صرف تکیه به این قوای شناختی بر همه ابعاد جهان هستی سیطره پیدا کرد و چگونه می‌توان با این قوای ضعیف ادعا کرد که مبدأ و معادی در کار نیست. بدون کمک گرفتن از وحی راهی برای تدوین یک جهان‌بینی وجود ندارد. امام صادق علیه‌السلام در روایتی با اشاره به ضعف قوای معرفتی بشر این پرسش را مطرح می‌کنند که با این قوای ضعیف چگونه می‌توان ملکوت آسمانها و زمین را شناخت: يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ أَكَلَ قَلْبِكَ طَائِرٌ لَمْ يُشَبِّعْهُ وَ بَصْرُكَ لَوْ وُضِعَ عَلَيْهِ خَرْقٌ إِبْرَةٌ لَغَطَّاهُ تُرِيدُ أَنْ تَعْرِفَ بِهِمَا مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا فَهَذِهِ الشَّمْسُ خُلِقَتْ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَإِنْ قَدَرْتَ أَنْ تَمْلَأَ عَيْنَيْكَ مِنْهَا فَهُوَ كَمَا تُقُولُ. (التوحيد (للصدوق)، ۴۵۵)

«ای فرزند آدم اگر قلب تو را پرنده ای بخورد سیر نمی‌شود، و چشمت با سوراخ سوزنی پوشیده می‌شود، آیا می‌خواهی با این قلب و چشم ملکوت آسمانها و زمین را بشناسی؟ اگر راست می‌گویی این خورشید که آفریده ای از آفریده‌های خداست. اگر بتوانی دیدگانت را از آن انباشته کنی، ادعایت درست است.»

^۱ الكافي، ج ۲، ۴۲۱

^۲ در برخی از نقلها آمده است که «لأن أرواحهم من روح الله تعالى.» (الإختصاص، ۳۲).

مومن برادر مومن است و این دو مانند یک بدن هستند که اگر عضوی از او به درد آید درد آن در بقیه بدن نیز حس می‌شود. ارواح مومنین نیز از یک روح است. و نزدیکی روح مومن به روح خداوند بیش از نزدیکی شعاع خورشید به خود خورشید است.

امام صادق علیه‌السلام: تَجِدُ الرَّجُلَ لَا يُخْطِئُ بِلَامٍ وَلَا وَأَوْ خَطِيبًا مِصْقَعًا^۱ وَ لَقَلْبُهُ أَشَدُّ ظُلْمَةً مِنَ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ وَ تَجِدُ الرَّجُلَ لَا يَسْتَطِيعُ يُعْبِرُ عَمَّا فِي قَلْبِهِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبُهُ يَزْهَرُ كَمَا يَزْهَرُ الْمَصْبَاحُ^۲.

یک نفر ممکن است خطیب توانایی باشد که هیچ خطایی در کلامش نیست و با این حال قلبی دارد تاریکتر از شب ظلمانی. فرد دیگری ممکن است نتواند آنچه را در دل دارد به زبان بیاورد و با این حال قلب او مثل چراغی روشن نورانی است.

امام صادق علیه‌السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلَكْتُ فَقَالَ لَهُ عِ اتَاكَ الْخَبِيثُ فَقَالَ لَكَ مِنْ خَلْقِكَ فَقُلْتَ اللَّهُ فَقَالَ لَكَ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ فَقَالَ إِي وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَكَانَ كَذَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاكَ وَ اللَّهُ مَحْضُ الْإِيمَانِ^۳.

از ادامه حدیث روشن می‌شود که مراد این است که نزدیکی روح مومن به خداوند بیشتر از نزدیکی اشعه خورشید به خود خورشید است و به همان اندازه و بلکه بیشتر در وجود خود نیازمند به خداوند است.

^۱ الکافی، ج ۲، ۱۶۶

^۲ بلیغ

^۳ الکافی، ج ۲، ۴۲۲

^۴ الکافی، ج ۲، ۴۲۵

مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت هلاک شدم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شیطان خبیث نزد تو آمده و پرسیده خالقت کیست گفته ای خداوند. آنگاه شیطان پرسیده خدا را چه کسی خلق کرده است؟ آن مرد گفت بله به خدایی که تو را به حق مبعوث کرد همین طور است. پس حضرت فرمودند: این به خدا قسم ایمان محض است.^۱

امام صادق علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَزْهَرُ نُورُهُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تَزْهَرُ نَجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ^۲

مومن نورش برای اهل آسمان می درخشد؛ آنگونه که ستاره‌های آسمان برای اهل زمین می درخشند.

امام صادق علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ وَلِيُّ اللَّهِ يُعِينُهُ وَيَصْنَعُ لَهُ وَ لَا يَقُولُ عَلَيْهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ لَا يَخَافُ غَيْرَهُ.^۳
مومن دوست خداست. او را یاری می‌کند^۴ و برای او کار می‌کند. تنها حق را در مورد او می‌گوید و از غیر او نمی‌ترسد.

^۱ امام صادق علیه السلام در ذیل این حدیث می فرمایند آنچه محض ایمان است همان خوف هلاکت است. در حدیث دیگر ذکر لاله الا الله برای دفع وسوسه سفارش شده است.

^۲ الکافی، ج ۲، ۱۷۰

^۳. الکافی، ج ۲، ۱۷۱

^۴ این از لطف و بزرگواری خداوند است که به مومن تا آنجا عنایت دارد که او را یاری‌دهنده خود قرار می‌دهد در حالی که او بی نیاز و عزیز است. در آیات قرآن کریم نیز مومن یاری‌دهنده خداوند معرفی شده است: «ان تنصروا الله ينصركم». یا «من ذالذی يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له». بنابراین ندای هل من ناصر ينصرني ندایی الهی است و همان گونه که از این دو آیه به دست می‌آید سود یاری کردن خداوند به خود مومن می‌رسد. خداوند بی‌نیاز و عزیز است و دعوت او از انسانها برای کمک دادن لطف او برای جدا کردن انسان از روزمرگی و ورود انسان به مرتبه انس با خداوند است.

أَبِي مَالِكٍ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ فَقَالَ: قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ فَهَذِهِ جَمِيعُ شَرَائِعِ الدِّينِ^٢

ابو مالک می گوید از امام سجاد علیه السلام پرسیدم: خلاصه احکام دین چیست؟ حضرت فرمودند: سخن حق و حکم عادلانه و وفای به عهد. این سه خلاصه احکام دین است.

امام صادق علیه السلام: مَنْ دَخَلَ فِي هَذَا الدِّينِ بِالرِّجَالِ أَخْرَجَهُ مِنْهُ الرِّجَالُ كَمَا أَدْخَلُوهُ فِيهِ وَمَنْ دَخَلَ فِيهِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ^٣.

کسی که به دنبال مردم به دین وارد شود، مردم همان گونه که او را به دین وارد کرده اند او را از دین خارج می کنند. اما کسی که با کتاب و سنت به دین وارد شود در دین خود استوارتر از کوههاست.

امام باقر علیه السلام: «لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: يَا رَبِّ، مَا حَالُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَكَ؟ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمَحَارِبَةِ، وَأَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي عَنْ وِفَاءِ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ، وَ أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ؛ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْغِنَى، وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ، وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ، وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ، وَ مَا يَتَّقَرَّبُ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَ إِنَّهُ لِيَتَّقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ

^١ المراد: علي بن الحسين عليه السلام، كما في المصدر.

^٢ أعلام الدين في صفات المؤمنين، ١٣١ و الخصال: ١١٣.

^٣ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٢، ١٠٥.

حَتَّىٰ أَحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتَهُ كُنْتُ إِذَا سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَ يَدَهُ
الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا؛ إِنَّ دَعَائِي أَحَبَّتُهُ، وَإِنْ سَأَلْتَنِي أُعْطِيْتَهُ»^۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معراج خود پرسید که پروردگارا حال مومن نزد تو چگونه است؟ خداوند فرمود: ای محمد کسی که به مومنی اهانت کند به جنگ با من برخاسته است. در هیچ کاری مانند یاری دوستان خود سرعت نمی‌ورزم. در هیچ کاری مانند گرفتن جان مومن تردید نمی‌ورزم؛ او از مرگ نگران است و من نیز نمی‌خواهم به او آزاری برسد. برخی از بندگان مومن من فقط با ثروت سعادتمند می‌شوند و اگر ثروت را از او بگیرم نابود می‌شود. برخی از بندگان مومن من نیز تنها با فقر سعادتمند می‌شود و اگر فقیر نباشد طغیان می‌کند. بنده من با هیچ عملی که مانند واجبات محبوب من باشد، به من نزدیک نمی‌شود و بنده‌ای را که با مستحبات به من نزدیک شود دوست دارم و اگر او را دوست بدارم گوشی خواهم شد که با آن می‌شنود و چشمی خواهم شد که با آن می‌بیند و زبانی خواهم شد که با آن سخن می‌گوید^۲ و دستی خواهم شد که با آن چیزها را می‌گیرد. اگر مرا بخواند پاسخش می‌دهم و اگر درخواستی داشته باشد به او عطا می‌کنم.

امام صادق علیه السلام: مَا أُوتِيَ النَّاسُ أَقْلًا مِنَ الْيَقِينِ وَإِنَّمَا تَمَسَّكْتُمْ بِأَدْنَى الْإِسْلَامِ فَإِيَّاكُمْ أَنْ يَنْفَلِتَ مِنْ
أَيْدِيكُمْ^۳.

^۱ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ۷۴

^۲ برخی نیز به اندازه‌ای تسلیم شیطان می‌شوند که شیطان در دل آنها لانه می‌کند و با چشم آنها می‌بیند و با زبان آنها سخن می‌گوید:

اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَاتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَاكاً فَبَاضَ وَفَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ وَدَبَّ وَدَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَنَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّلَ وَزَيْنَ لَهُمُ الْخَطْلَ فَعَلَ مَنْ قَدْ شَرِكَهُ الشَّيْطَانُ فِي سُلْطَانِهِ وَنَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ (نهج البلاغه ،
(۵۳)

^۳ الکافی، ج ۲، ۵۲

به مردم یقین از هر چیزی کمتر داده شده است. شما به پایینترین درجه اسلام تمسک کرده‌اید. مبدا این درجه را هم از دست بدهید.

امام صادق علیه السلام: **إِنْ يَكُنِ الْأَمْرُ عَلَى مَا يَقُولُ هَوْلًا وَهُوَ عَلَى مَا يَقُولُونَ يَعْنِي أَهْلَ الطَّوَافِ فَقَدْ سَلِمُوا وَعَطِبْتُمْ وَإِنْ يَكُنِ الْأَمْرُ عَلَى مَا تَقُولُونَ وَلَيْسَ كَمَا تَقُولُونَ فَقَدْ اسْتَوَيْتُمْ وَهُمْ. فَقُلْتُ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَ أَى شَيْءٍ تَقُولُ وَ أَى شَيْءٍ يَقُولُونَ مَا قَوْلِي وَ قَوْلُهُمْ إِلَّا وَاحِدٌ فَقَالَ (عليه السلام): وَ كَيْفَ يَكُونُ قَوْلُكَ وَ قَوْلُهُمْ وَاحِدًا وَ هُمْ يَقُولُونَ إِنَّ لَهُمْ مَعَادًا وَ ثَوَابًا وَ عِقَابًا وَ يَدِينُونَ بَأَنِّ فِي السَّمَاءِ إِلَهًا وَ أَنَّهُا عُمَرَانُ وَ أَنْتُمْ تَزْعُمُونَ أَنَّ السَّمَاءَ خَرَابٌ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ^۱**

ابن ابی العوجاء یکی از ملحدین زمان امام صادق علیه السلام است که حضرت در مناظره با او در کنار خانه کعبه می فرمایند: اگر باور مؤمنینی که در حال طواف هستند درست باشد - که البته درست است - آنها نجات پیدا می کنند و شما هلاک می شوید. اما اگر باور شما ملحدین درست باشد - که البته درست نیست - آنگاه شما و آنها مساوی هستید. ابن ابی العوجاء می پرسد مگر باورهای ما با یکدیگر تفاوت دارد؟ حضرت می فرمایند: چگونه سخن شما و آنها یکی باشد. آنها به معاد و ثواب و عقاب ایمان دارند و باور دارند که در آسمان خدایی است و آسمان آبادی است. اما شما گمان می کنید آسمان ویرانه‌ای است^۲ که در آن کسی نیست.^۳

^۱ الکافی، ج ۱، ۷۵

^۲ دل کافر نیز ویرانه‌ای است که کسی در آن نیست. در بخشی از وصایای ابوذر آمده که قلبی که حقیقت در آن نیست مانند خانه خرابی است که کسی نیست تا آن را آباد کند. «إِنَّ قَلْبًا لَيْسَ مِنْهُ مِنَ الْحَقِّ شَيْءٌ كَالْبَيْتِ الْخَرَابِ الَّذِي لَا عَامِرَ لَهُ» (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۵، ۴۵۱)

^۳ ابن ابی العوجاء در ادامه می پرسد که اگر در آسمان کسی است چرا برای خلق خود ظاهر نمی شود و چرا خداوند از خلق خود پنهان است؟ حضرت در پاسخ می فرمایند: «وای بر تو. چگونه خداوند از تو پنهان است در حالی که قدرت خود را در درون تو به تو نشان داده است. تو را به وجود آورد در حالی که وجود نداشتی. ...» و در ادامه حضرت به تغییر حالات

امیرالمومنین علیه السلام: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ وَ أَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَّى بِهِ الْمُتَرَفُّونَ وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَ الْمُتَجَرِّ الرَّابِحِ أَصَابُوا لَذَّةَ زَهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ تَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَ لَا

درونی انسان اشاره می کند و با تمسک به اینکه احوال درونی انسان دست خودش نیست بر سیطره قدرت الهی بر تمام شؤون جهان هستی استدلال می کند:

فَقُلْتُ لَهُ مَا مَنَعَهُ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ كَمَا يَقُولُونَ أَنْ يَظْهَرَ لِخَلْقِهِ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى عِبَادَتِهِ حَتَّى لَا يَخْتَلِفَ مِنْهُمْ أَثْنَانِ وَ لِمَ احْتَجَبَ عَنْهُمْ وَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الرُّسُلَ وَ لَوْ بَاشَرَهُمْ بِنَفْسِهِ كَانَ أَقْرَبَ إِلَى الْإِيمَانِ بِهِ فَقَالَ لِي وَيْلَكَ وَ كَيْفَ احْتَجَبَ عَنْكَ مِنْ أَرَكَ قُدْرَتَهُ فِي نَفْسِكَ نُشُوءَكَ وَ لَمْ تَكُنْ وَ كَبِيرَكَ بَعْدَ صِغَرِكَ وَ قُوَّتَكَ بَعْدَ ضَعْفِكَ وَ ضَعْفَكَ بَعْدَ قُوَّتِكَ وَ سَقَمَكَ بَعْدَ صِحَّتِكَ وَ صِحَّتَكَ بَعْدَ سَقَمِكَ وَ رِضَاكَ بَعْدَ غَضَبِكَ وَ غَضَبَكَ بَعْدَ رِضَاكَ وَ حُزْنَكَ بَعْدَ فَرَحِكَ وَ فَرَحَكَ بَعْدَ حُزْنِكَ وَ حُبَّكَ بَعْدَ بُغْضِكَ وَ بُغْضَكَ بَعْدَ حُبِّكَ وَ عَزَمَكَ بَعْدَ آثَاتِكَ وَ آثَاتِكَ بَعْدَ عَزَمِكَ وَ شَهْوَتَكَ بَعْدَ كِرَاهَتِكَ وَ كِرَاهَتَكَ بَعْدَ شَهْوَتِكَ وَ رَغِبَتَكَ بَعْدَ رَهْبَتِكَ وَ رَهْبَتَكَ بَعْدَ رَغِبَتِكَ وَ رَجَاءَكَ بَعْدَ يَأْسِكَ وَ يَأْسَكَ بَعْدَ رَجَائِكَ وَ خَاطِرَكَ^٣ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِي وَهْمِكَ وَ عَزُوبَ مَا أَنْتَ مُعْتَقِدُهُ عَنْ ذَهْنِكَ^٣ وَ مَا زَالَ يَعْدُدُ عَلَيَّ قُدْرَتَهُ الَّتِي هِيَ فِي نَفْسِي الَّتِي لَا أَدْفَعُهَا حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَظْهَرُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُ

در این مناظره در مرحله نخست استدلال شده که اهل ایمان در زندگی دنیایی با ملحدین مساوی هستند و آنها از ایمان خود در دنیا ضرری نمی بینند. اما اگر حق با مومنین باشد آنها اهل نجات خواهند بود و ملحدین در زندگی اخروی هلاک خواهند شد. در مرحله دوم استدلال شده که مومنین جهان هستی را داری غایتی عقلانی می دانند و از این نظر زندگی برای آنها معنادار است. اما جهان برای ملحد خرابه ای بیش نیست و بنابراین ملحد در دینا زندگی پوچی دارد و حوادث دنیا برای او بی هدف و بی غایت است. در مرحله سوم حضرت یقینی بودن وجود خداوند را نشان می دهند و از اینکه وجود انسان و جهان درون او تحت سیطره خود انسان نیست بر وجود قدرتی برتر استدلال می کنند که نه تنها از رگ گردن به انسان نزدیکتر است، بلکه به اندازه ای به انسان نزدیک است که واسطه ای بین انسان و قلب اوست «یحول بین المرء و قلبه». برای مطالعه دلایل دیگری که حضرت بر وجود خداوند اقامه می کنند به ادامه مناظره رجوع کنید.

يُنْقِصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنْ لَّذَّةٍ فَاحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمَوْتَ وَ قُرْبَهُ وَ أَعِدُّوا لَهُ عُدَّتَهُ فَإِنَّهُ يَأْتِي بِأَمْرٍ عَظِيمٍ وَ خَطْبٍ جَلِيلٍ بِخَيْرٍ لَّا يَكُونُ مَعَهُ شَرٌّ أَبَدًا أَوْ شَرٌّ لَّا يَكُونُ مَعَهُ خَيْرٌ أَبَدًا^۱

بندگان خدا بدانند که متقین از دنیا و آخرت برخوردار شدند. در دنیا با اهل دنیا شریک بودند. اما اهل دنیا در آخرت آنها شریک نشدند. در بهترین خانه‌های دنیا سکونت داشتند و بهترین خوراکها را داشتند. از دنیا همان لذتی را بردند که دنیا داران بردند و از دنیا همان بهره‌ای را بردند که سرکشان و متکبران بردند. سپس از این جهان با زاد و توشه فراوان و تجارتي پر سود به سوی آخرت شتافتند. در دنیا لذت زهد و بی‌اعتنایی به دنیا را چشیدند و یقین داشتند که در آخرت در همسایگی خدایند. هیچ دعایی از آنها رد نمی‌شود و سهم آنها از هر لذتی کامل است. پس بندگان خدا از مرگ و نزدیکی آن بترسید و برای مرگ آماده شوید. مرگ نتیجه‌ای بسیار بزرگ به دنبال دارد. یا خیری که هیچ شری همراه آن نیست و یا شری که هیچ خیری تا ابد همراه آن نیست.

مقام محبت

امام سجاد علیه‌السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى ع حَبِيبِي إِلَى خَلْقِي وَ حَبِيبُ خَلْقِي إِلَيَّ قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَفْعَلُ قَالَ ذَكَرْهُمْ أَلَائِي وَ نِعْمَائِي^۲

خداوند متعال به حضرت موسی علیه‌السلام وحی کرد که مرا دوست بدار و مردم را دوستدار من کن. حضرت موسی علیه‌السلام گفت: خدایا من تو را دوست دارم اما چگونه مردم را دوستدار تو کنم. خداوند فرمود: نعمتهای مرا به آنها یادآوری کن.

^۱ نهج البلاغه، ۳۵۱،

^۱ نهج البلاغه، ۳۸۴،

^۲ منیة المرید، ۱۱۶، ۴

فِي أَخْبَارِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا أَحَبَّنِي أَحَدٌ أَعْلَمُ ذَلِكَ يَقِينًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا قَبْلَتْهُ لِنَفْسِي وَ أَحَبَّتَهُ حَبًّا لَا يَتَقَدَّمُهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِي مَنْ طَلَبَنِي بِالْحَقِّ وَجَدَنِي وَ مَنْ طَلَبَ غَيْرِي لَمْ يَجِدْنِي فَارْفُضُوا يَا أَهْلَ الْأَرْضِ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ غُرُورِهَا وَ هَلُمُّوا إِلَيَّ كِرَامَتِي وَ مُصَاحِبَتِي وَ مُجَالَسَتِي وَ مُؤَانَسَتِي وَ أَنْسُونِي أَوْانِسْكُمْ وَ أُسَارِعْ إِلَيَّ مَحَبَّتِكُمْ.^١

خداوند متعال خطاب به حضرت داود می فرماید: کسی که مرا دوست داشته باشد و این دوستی را در قلب او بیابم او را برای خود انتخاب می کنم و زندگی او را برتر از زندگی دیگران قرار می دهم. کسی که واقعا دنبال من باشد مرا می یابد. اما کسی که به دنبال غیر من باشد مرا نمی یابد. پس ای اهل زمین فریب دنیا را نخورید و به کرامت و دوستی و همنشینی و انس با من بشتابید.

امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ كَيْفَ مَنَزَلَتْهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنَزَلَتْهُ عِنْدَهُ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ خَيْرَ لَهُ أَمْرَانِ أَمْرُ الدُّنْيَا وَ أَمْرُ الْآخِرَةِ فَاخْتَارَ أَمْرَ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا فَذَلِكَ الَّذِي يُحِبُّ اللَّهُ وَ مَنْ اخْتَارَ أَمْرَ الدُّنْيَا فَذَلِكَ الَّذِي لَا مَنَزَلَةَ لَهُ لِلَّهِ عِنْدَهُ.^٢

اگر می خواهید بدانید که چه جایگاهی نزد خداوند دارید بنگرید که خداوند نزد شما چه جایگاهی دارد. کسی که بین دنیا و آخرت مجبور به انتخاب باشد و آخرت را انتخاب کند خداوند را دوست دارد و کسی که دنیا را انتخاب کند به جایگاه خداوند توجهی ندارد.

^١ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٦٧، ٢٦

^٢ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٦٧، ٢٦

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَلْبُ حَرَمٌ لِلَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ^١.

قلب خانه خداست. در خانه خدا کسی غیر از خدا را ساکن نکنید.

امام صادق علیه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَتَعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَعِيمِهَا وَكَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلًا عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطَّوْنَهُ بِأَرْجُلِهِمْ وَلَنْعَمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَتَلَذُّوا بِهَا تَلَذُّوا مِنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْسٌ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ وَصَاحِبٌ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ وَنُورٌ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ وَقُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ وَشِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سَقَمٍ^٢

اگر مردم می دانستند شناخت خداوند عزوجل چه مزیتی دارد به آنچه خداوند از زهره زندگی دنیا و نعمتها به دشمنان داده است چشم نمی دوختند و دنیای دشمنان نزد آنها کمتر از خار و خاشاک زیر پای آنها بود و از نعمت معرفت خداوند عزوجل برخوردار می شدند و از این معرفت لذتی می بردند مانند لذت کسی که در باغهای بهشتی همنشین اولیاء الهی است. شناخت خداوند عزوجل در هر وحشتی انیس است و در هر تنهایی رفیق و همراه است و برای هر تاریکی نور است و برای هر ضعفی قوت است و برای هر بیماری شفاست.

امام صادق علیه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَسْأَلُ اللَّهُ عَمَّا سِوَى الْفَرِيضَةِ فَقَالَ لَا قَالَ فَوَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَا تَقْرَبْتُ إِلَى اللَّهِ بِشَيْءٍ سِوَاهَا قَالَ وَ لَمْ قَالَ لِأَنَّ اللَّهَ قَبِيحَ خَلْقِي قَالَ فَأَمْسَكَ النَّبِيُّ صُ وَ نَزَلَ جِبْرَائِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ أَقْرَبُ عَبْدِي فُلَانًا السَّلَامَ

^١ جامع الأخبار ٢٨. و بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٦٧، ٢٦

^٢ الكافي، ج ٨، ٢٤٧

وَقُلْ لَهُ أَمَا تَرْضَى أَنْ أُبْعَثَكَ غَدًا فِي الْأَمْنِينَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَقَدْ ذَكَرَنِي اللَّهُ عِنْدَهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَوَ الْوَالِدِي
بِعَثْكَ بِالْحَقِّ لَا بَقِيَ شَيْءٌ يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى اللَّهِ عِنْدَهُ إِلَّا تَقَرَّبْتُ بِهِ^۱

فردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و پرسید آیا خدا از مستحبات نیز بازخواست می‌کند. حضرت فرمودند خیر. آن مرد گفت قسم به خدایی که تو را مبعوث کرد فقط با واجبات به خداوند نزدیک می‌شوم. حضرت پرسیدند چرا. آن مرد گفت: چون خدا مرا زشت آفریده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درنگ کردند تا جبرئیل نازل شد و فرمود: ای محمد خدایت سلام می‌رساند و می‌گوید: به فلان بنده من سلام برسان و بگو آیا اگر در قیامت به تو امان دهم راضی می‌شوی. آن مرد گفت: ای رسول خدا آیا خداوند نزد خود مرا یاد کرده است.^۲ حضرت فرمود: آری. آن مرد گفت قسم به خدایی که تو را مبعوث کرد که با همه واجبات و مستحبات به خداوند متعال نزدیک خواهم شد.

امام صادق علیه السلام: فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ يَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ غَنِيًّا وَلَا أَكَلِكَ إِلَيَّ طَلَبِكَ وَ
عَلَيَّ أَنْ أَسُدَّ فَاقَتَكَ وَأَمَلًا قَلْبِكَ خَوْفًا مِنِّي وَإِنْ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ شُغْلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسُدُّ فَاقَتَكَ وَ
أَكَلِكَ إِلَيَّ طَلَبِكَ.^۳

در تورات است که ای فرزند آدم بندگی من کن تا دلت را از بی‌نیازی لبریز کنم و تو را به نیازت وا نگذارم. بر من است که نیاز تو را برطرف کنم و دلت را خداترس کنم. اگر به بندگی من مشغول نباشی تو را به دنیا سرگرم می‌کنم و نیازت را برطرف نمی‌کنم و تو را به نیازت وا می‌گذارم.

^۱ علل الشرائع، ج ۲، ۴۶۳

^۲ توجه داشته باش که در همان لحظه که تو از خدا روی می‌گردانی او روی به تو دارد و تو را به عفو خود می‌خواند و با فضل خود می‌پوشاند. اما تو از او روی بر می‌گردانی. وَ تَمَثَّلُ فِي حَالِ تَوَلَّيْكَ عَنْهُ إِقْبَالُهُ عَلَيْكَ يَدْعُوكَ إِلَى عَفْوِهِ وَيَتَمَدَّدُكَ بِفَضْلِهِ وَأَنْتَ مُتَوَلِّ عَنَّهُ (نهج البلاغه، ۳۴۵):

^۳ الکافی، ج ۲، ۸۳

امام صادق علیه السلام: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ فِي بَعْضِ مَا أَوْحَىٰ إِنَّمَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ مِمَّنْ يَتَوَاضَعُ لِعَظَمَتِي وَيَكْفُ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَجْلِي وَيَقْطَعُ نَهَارَهُ بِذِكْرِي وَلَا يَتَعَظَّمُ عَلَيَّ خَلْقِي وَيُطْعِمُ الْجَائِعَ وَيَكْسُو الْعَارِيَ وَيَرْحَمُ الْمَصَابَ وَيُؤْوِي الْغَرِيبَ فَذَلِكَ يُشْرِقُ نُورَهُ مِثْلَ الشَّمْسِ أَجْعَلُ لَهُ فِي الظُّلْمَةِ نُورًا وَفِي الْجَهَالَةِ حِلْمًا أَكَلُوهُ بِعِزَّتِي وَاسْتَحْفَظْهُ مَلَائِكَتِي يَدْعُونِي فَالْبِيهَ وَيَسْأَلْنِي فَأَعْطِيهِ^١

ای ابن جندب خداوند عز و جل در بعضی از آنچه وحی کرده است می فرماید: نماز را از شخصی می پذیرم که در برابر عظمت من خضوع کند و به خاطر من نفس خود را از شهوت بازدارد؛ در طول روز به یاد من باشد و بر مردم تکبر نوزد؛ کسی که گرسنه را اطعام کند و برهنه را بیوشاند و به مصیبت زده رحم کند و غریب را مسکن دهد. نور چنین شخصی مانند خورشید می تابد. برای او نوری در تاریکی قرار می دهد و در گمراهی ها حلمی به او می دهد. به عزت خود او را نگهداری می کنم و ملائکه خود را محافظ او قرار می دهم. مرا می خواند و من پاسخ می گویم و از من می خواهد و من آنچه را می خواهد به او عطا می کنم.

امام جواد علیه السلام: الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْقُلُوبِ أبلغُ مِنْ إِتْعَابِ الْجَوَارِحِ بِالْأَعْمَالِ.^٢

توجه قلبها به خداوند متعال انسان را زودتر به مقصد می رساند تا سختی دادن بدن با اعمال.

امام صادق علیه السلام: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَوَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ وَكَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خُوِطَ وَإِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَغَلُوا بِغَيْرِهِ.^٣

^١ تحف العقول، ٣٠٦

^٢ نزهه الناظر و تنبيه خاطر، ١٣٤

^٣ الكافي، ج ٢، ١٣٠

آنگاه که مومن دل از دنیا برکند، اوج می‌گیرد و شیرینی محبت خداوند را می‌چشد. این بی‌اعتنایی به دنیا نزد آنها که دل به دنیا بسته‌اند دیوانگی است. ولی مومن شیرینی محبت خداوند را چشیده و به غیر او توجهی ندارد.

امام صادق علیه‌السلام: **إِنَّ الْقَلْبَ إِذَا صَفَا ضَاقَتْ بِهِ الْأَرْضُ حَتَّى يَسْمُوَ^۱**

دل که جلا یافت زمین برایش زندان است تا به آسمان برود.

قال عیسی علیه‌السلام: **صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَذُّ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ^۲**

شیفته دنیا از عبادت لذتی نمی‌برد و به دلیل دلبستگی به مال و ثروت، شیرینی عبادت را نمی‌چشد.^۳

مقام توکل

امام رضا علیه‌السلام: **مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ سِئَلٌ عَنْ حَدِّ التَّوَكُّلِ مَا هُوَ قَالَ لَا تَخَافُ سِوَاهُ^۴.**

^۱ الکافی، ج ۲، ۱۳۰،

^۲. تحف العقول، ۵۰۷.

^۳. گرفتار هوای نفس نمی‌تواند لذت عبادت را درک کند:

امیر المومنین علیه‌السلام: کیف يجد لذة العبادۃ من لا يصوم عن الهوى (غرر الحکم و درر الکلم ، ۵۱۷)

^۴ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۸، ۱۴۳.

کسی که می‌خواهد قوی‌ترین مردم باشد پس بر خداوند توکل کند. سوال شد تعریف توکل چیست؟
حضرت فرمودند: اینکه از غیر خدا نترسید.^۱

امیر المؤمنین علیه السلام: عَظَمُ الْخَالِقِ عِنْدَكَ يُصَغِّرُ الْمَخْلُوقَ فِي عَيْنِكَ^۲

بزرگی خداوند نزد تو غیر خدا را در چشم تو کوچک می‌کند.

علی بن سوید عن امیر المومنین علیه السلام: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» فَقَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِيًا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَأْلُوكُ^۳ خَيْرًا وَفَضْلًا وَتَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ بِتَفْوِضِ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَثِقْ بِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا.^۴

از امیرالمؤمنین علیه السلام از تفسیر این آیه سوال شد: «آنکه بر خداوند توکل کند خداوند او را کفایت می‌کند.» حضرت فرمودند: توکل بر خداوند درجاتی دارد. یک درجه از آن تکیه بر خداوند در همه امور است. پس هر چه با تو کرد از او راضی باشی و بدانی که او خیر و فضلی را از تو باز نمی‌دارد. و او را حاکم بدانی. پس با واگذار کردن همه امور خود به خداوند بر او توکل کن و در امور خود به او امید داشته باش.

^۱ از امام سجاد علیه السلام روایت شده که: بی‌نیازی و عزت در دل مومن در پروازند به مکان توکل که رسیدند ساکن می‌شوند. عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْغِنَاءُ وَالْعَزُّ يَجُولَانِ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ فَإِذَا وَصَلَا إِلَى مَكَانٍ فِيهِ التَّوَكُّلُ أُوطِنَاهُ. كشف الغمّة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج ۲، ۱۳۲

^۲ نهج البلاغه، ۴۹۲

^۳ از الو به معنی تفسیر و کوتاهی و در اینجا به معنای منع است.

^۴ الکافی، ج ۲، ۶۵

جَاءَ جَبْرَائِيلُ عِ إِلَى النَّبِيِّ ص: قَالَ... فَقُلْتُ وَمَا التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّهُ وَلَا يَنْفَعُهُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ.^١

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل از معنای توکل پرسیدند. جبرئیل گفت: معرفت به اینکه مخلوق ضرر نمی‌زند و نفع نمی‌رساند و عطا نمی‌کند و منع نمی‌کند و یأس از خلق. پس اگر بنده اینگونه باشد برای کسی غیر از خدا عملی انجام نمی‌دهد و به کسی غیر خدا امید نمی‌بندد و از کسی غیر خدا نمی‌ترسد و به کسی غیر خدا طمع نمی‌بندد. این توکل است.

امام صادق علیه السلام: إِنَّ لِقَمَانَ قَالَ لِابْنِهِ تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ وَ إِنَّ الْكَيْسَ لَدَى الْحَقِّ يَسِيرٌ يَا بَنِيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ وَ حَشْوَهَا الْإِيمَانَ^٢ وَ شِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ وَ قِيمَهَا الْعَقْلَ وَ دَلِيلَهَا الْعِلْمَ وَ سَكَّانَهَا الصَّبْرَ^٣

لقمان به فرزند خود می‌گفت: در برابر حق متواضع باش تا عاقلترین مردم باشی. زیرا که در برابر حق اندک است. ای فرزندم دنیا دریایی ژرف است که انسانهای زیادی در آن غرق شده‌اند. پس از تقوای الهی کشتی نجاتی بساز با باری از ایمان و بادبانی از توکل و عقل ناخدای آن کشتی و علم راهنمای آن و صبر مسافر آن باشد.

امام صادق علیه السلام: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ لَشَيْءٍ قَدْ مَضَى لَوْ كَانَ غَيْرَهُ.^٤

١ معانی الأخبار، ٢٤١

٢ « و حشوها» ای مع ما يحشى فيها و تملأ منها و الشراع ككتاب: الملاءة الواسعة فوق خشبة تصفحها الريح فتمضى بالسفينة. و القيم: مدبر أمر السفينة.

٣ الكافي، ج ١، ١٦

٤ الكافي، ج ٢، ٦٣

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگز برای آنچه در گذشته رخ داده بود آرزو نمی‌کردند که ای کاش به گونه‌ای دیگر رخ می‌داد.

مقام نیکوکاری

امام صادق علیه‌السلام: عَلَيْكَ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ.^۱

برای خدا خیرخواه خلق او باش که با کاری برتر از این خدا را ملاقات نخواهی کرد.

□ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ -: مَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ إِلَى نَفْسِهِ، لَمْ يَسْتَبِطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ، وَ لَمْ يَسْتَزِدَّهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ، فَلَا تَلْتَمِسُ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا أَتَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ، وَ وَقَيْتَ بِهِ عَرْضَكَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ الطَّالِبَ إِلَيْكَ الْحَاجَّةُ، لَمْ يُكْرَمِ وَجْهَهُ عَنْ وَجْهِكَ، فَأَكْرَمِ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ.^۲

کسی که بداند نیکی به دیگران به نفع خودش است از دیگران انتظار قدردانی ندارد و توقع محبت بیشتر دیگران را ندارد. پس از دیگری درخواست نکن که از کاری که به نفع خودت بوده و آبروی خودت را با آن حفظ کرده‌ای تشکر کند. بدان که سائل با درخواست آبروی خود را می‌برد تو با رد او آبروی خود را نبر.^۳

^۱ الکافی، ج ۲، ۱۶۴

^۲ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۷، ۲۷۳

^۳ در حدیث دیگر حضرت علیه‌السلام می‌فرمایند: اگر به کسی احترام گذاشتی در حقیقت به خودت احترام گذاشته‌ای و آبروی خودت را با آن آراسته‌ای. پس به خاطر احترامی که به خودت گذاشته‌ای از دیگری انتظار سپاسگذاری نداشته باش.

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا صُنِعَ إِلَيْكَ مَعْرُوفٌ فَادْكُرْهُ. إِذَا صَنَعْتَ مَعْرُوفًا فَانْسَهُ^١

اگر کسی به تو خوبی کرد از آن یاد کن. اما اگر خوبی کردی فراموش کن.

امام صادق علیه السلام: مَنْ أَحَبَّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ إِشْبَاعِ جَوْعَتِهِ أَوْ تَنْفِيسِ كُرْبَتِهِ أَوْ قَضَاءِ دَيْنِهِ.

خوشنود کردن برادر مومن، با سیر کردن او یا حل مشکل او و یا پرداخت قرض او، از بهترین کارها نزد خداوند عزوجل است.

امام صادق علیه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحْبِبْهُمْ إِلَى الطَّفُّهُمْ بِهِمْ وَأَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ^٢.

خداوند عزوجل می فرماید مردم مانند خانواده من هستند. پس کسی را بیشتر دوست دارم که به آنها محبت بیشتری دارد و در رفع نیازهای آنها کوشا تر است.^١

إِنَّ مَكْرَمَةَ صَنَعْتِهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْرَمْتَ بِهَا نَفْسَكَ وَزَيَّنْتَ بِهَا عِرْضَكَ فَلَا تَطْلُبْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرًا مَا صَنَعْتَ إِلَى نَفْسِكَ. (عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ١٥٤)

حضرت اباذر علیه الرحمه نیز در ابتدای یکی از وصایای خود می فرماید « صدقه بدهید پیش از آنکه چیزی نیابید که آن را صدقه بدهید.» و مضمون ادامه سخن ایشان این است که وضع شما مانند کسی است که قتلی انجام داده و مهلت گرفته تا رضایت بازماندگان را جلب کند. شما نیز در دنیا مهلت دارید تا با صدقه خود را از عذاب آخرت نجات دهید. (بحار الأنوار

(ط - بیروت)، ج ٧٥، ٤٥١)

^١ غرر الحكم ج ١ ص ٣١٠

^٢ الکافی، ج ٢، ١٩٩.

امام صادق علیه السلام: مَنْ أَتَاهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَأَكْرَمَهُ فَإِنَّمَا أَكْرَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.^۲

کسی که به مسلمانی که نزد او آمده احترام بگذارد و بخشش کند، به خدای عزوجل احترام گذاشته است.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤْمِنُ كَمِثْلِ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَاتُّ وَرَقُهَا فِي شِتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ.^۳

مومن مانند درختی است که برگهای آن در زمستان و تابستان نمی‌ریزد.^۴

امام صادق علیه السلام: يَا ابْنَ جُنْدَبِ الْمَاشِي فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَالسَّاعِي بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَقَاضِي حَاجَتِهِ كَالْمُتَشَحِّطِ بَدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْمَ بَدْرٍ وَأَحَدٍ وَمَا عَذَّبَ اللَّهُ أُمَّةً إِلَّا عِنْدَ اسْتِهَانَتِهِمْ بِحَقُوقِ فُقَرَاءِ إِخْوَانِهِمْ^۱

^۱ در روایتی دیگر سفارش شده که آنچه را برای عزیزترین فرد خانواده خود می‌خواهید برای مسلمانان دیگر نیز بخواهید: «يُحِبُّ الْمَرْءُ الْمُسْلِمَ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِأَعَزِّ أَهْلِهِ وَيَكْرَهُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ لِأَخِيهِ مَا يَكْرَهُ لِأَعَزِّ أَهْلِهِ» (الكافي، ج ۲، ص ۱۷۲) همچنين نقل شده که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌بارها می‌فرمودند: خداوند بندگان را در سمت راست عرش دارد که صورتهایی سفید و نورانی‌تر از خورشید دارند و اینها کسانی هستند که یکدیگر را برای خداوند دوست داشته‌اند: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ لِلَّهِ خَلْقًا عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَعَنِ يَمِينِ اللَّهِ وَجُوهُهُمْ أَبْيَضُ مِنَ التَّلْجِ وَأَضْوَاءُ مِنَ الشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ يَسْأَلُ السَّائِلُ مَا هُوَ لَاءَ فَيَقَالُ هُوَ لَاءُ الَّذِينَ تَحَابُّوا فِي جَلَالِ اللَّهِ. (الكافي، ج ۲، ص: ۱۷۳)

^۲ الكافي، ج ۲، ۲۰۶

^۳ الكافي، ج ۲، ۲۳۵

^۴ در روایت دیگر سفارش شده است که مانند فرات و نیل باشید که خودشان در فرایند جزر و مد درختان را آبیاری می‌کنند نه مانند رودخانه دجله و بلخ که مردم با زحمت از آن آب می‌گیرند:

□ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَهْرَانِ مُؤْمِنَانِ وَنَهْرَانِ كَافِرَانِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنَانِ فَالْفُرَاتُ وَنَيْلُ مِصْرَ وَأَمَّا الْكَافِرَانِ فَدِجْلَةُ وَنَهْرُ بَلْخِ. (الكافي، ج ۶، ۳۹۱)

ای این جندب کسی که برای نیاز برادر خود حرکت کند مانند کسی است که بین صفا و مروه در حرکت است و کسی که حاجت برادر مومن خود را برطرف کند مانند کسی است که در جنگ بدر و احد به شهادت رسیده است. خداوند هیچ قومی را عذاب نکرد مگر زمانی که حقوق برادران فقیر خود را رعایت نکردند.

رسول الله صلی الله علیه و آله: **إِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ صَاحِبَهَا كَثْرَةً، فَتَصَدَّقُوا؛ يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ، وَإِنَّ التَّوَاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً، فَتَوَاضَعُوا؛ يَرْفَعَكُمُ اللَّهُ، وَإِنَّ الْعَفْوَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ عِزًّا، فَاعْفُوا؛ يَعِزَّكُمُ اللَّهُ».**^۲

صدقه باعث افزایش روزی است پس صدقه بدهید خداوند شما را بیمارزد. تواضع باعث افزایش قدر و منزلت است پس تواضع کنید خداوند شما را بیمارزد. گذشت و بخشش باعث افزایش عزت است پس یکدیگر را ببخشید خداوند شما را عزت ببخشد.

امام صادق علیه السلام: **يَا ابْنَ جُنْدَبٍ صَلِّ مِنْ قَطْعِكَ وَأَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ وَأَحْسِنْ إِلَيَّ مِنْ أَسَاءِ إِلَيْكَ وَ سَلِّمْ عَلَيَّ مِنْ سَبِّكَ وَأَنْصِفْ مَنْ خَاصَمَكَ وَأَعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ كَمَا أَنْكَ تَحِبُّ أَنْ يُعْفَى عَنْكَ فَاعْتَبِرْ بِعَفْوِ اللَّهِ عَنْكَ أَلَا تَرَى أَنَّ شَمْسَهُ أَشْرَقَتْ عَلَى الْأَبْرَارِ وَالْفُجَّارِ وَأَنَّ مَطَرَهُ يَنْزِلُ عَلَى الصَّالِحِينَ وَالْخَاطِئِينَ**^۳

ای این جندب با کسی که از تو بریده است معاشرت داشته باش و به کسی که تو را محروم کرده است بخشش کن و به کسی که به تو بدی کرده است نیکی کن. به آنکه دشنامت گوید سلام کن و با دشمنان عادلانه برخورد کن و آنکه را به تو ظلم کرده است ببخش. همانگونه که دوست داری تو را ببخشد. از عفو

^۱ تحف العقول، ۳۰۳

^۲ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ۳۱۴

^۳ تحف العقول، ۳۰۵

الهی نسبت به خودت عبرت بگیر. آیا نمی بینی که خورشید او بر نیک و بد می تابد و باران او بر نیکوکار و بدکار می بارد.

امام صادق علیه السلام: إِنَّ مِمَّا خَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَعْرِفَهُ بِرِ إِخْوَانِهِ وَ إِنَّ قَلَّ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِالْكَثْرَةِ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ - وَ يُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ثُمَّ قَالَ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ عَرَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَفَاهُ أَجْرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ ثُمَّ قَالَ يَا جَمِيلُ ارْوِ هَذَا الْحَدِيثَ لِإِخْوَانِكَ فَإِنَّهُ تَرْغِيبٌ فِي الْبِرِّ^۱

از صفاتی که خداوند عزوجل به مومن اختصاص می دهد این است که نیکی به برادرانش را به او یاد می دهد. هر چند این نیکی اندک باشد. کار نیک لازم نیست زیاد باشد. چون خداوند عزوجل در کتاب خود می فرماید: و دیگران را بر خود ترجیح می دهند هر چند خودشان در تنگدستی باشند. و همچنین می فرماید: کسانی که بر آزمندی خود مسلط باشند پس آنها از رستگاران هستند. کسی که خداوند عزوجل او را نیکی کردن بیاموزد، محبوب خداوند است و هر کس محبوب خداوند تبارک و تعالی باشد روز قیامت اجر بی حساب دارد.

سپس حضرت امام صادق فرمودند: ای جمیل این حدیث را برای برادران خود بخوان. چون این حدیث به نیکی دعوت می کند.

قال الله تعالى: وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ. وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ^۲

^۱ الکافی، ج ۲، ۲۰۶.

^۲ فصلت ۳۴-۳۵

خوبی با بدی برابر نیست. بدی را با آنچه بهترین است دفع کن، آن گونه که کسی که با تو دشمنی دارد مانند دوستی دلسوز باشد. این مقامی است که تنها کسانی که صبر دارند به آن می‌رسند و تنها کسانی که درجه ای بالا دارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الدِّينِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ - وَ اصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ.^۱

اساس عقل بعد از دین مهرورزی نسبت به مردم و نیکی کردن به هر نیکوکار و گنهکاری است.

حضرت فاطمه سلام الله علیها: بَشْرٌ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ وَ بَشْرٌ فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ الْمُعَادِي يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ.^۲

لبخند در صورت مومن جزایش بهشت است و لبخند در صورت دشمن بدخواه جزایش امان از آتش جهنم است.

وَ عَنْ سَدِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تُعْتِقَ كُلَّ يَوْمٍ نَسَمَةً قُلْتَ لَا يَحْتَمِلُ ذَلِكَ مَالِي قَالَ فَقَالَ تَطْعَمُ كُلَّ يَوْمٍ رَجُلًا مُسْلِمًا فَقُلْتَ مُوسِرًا أَوْ مُعْسِرًا قَالَ إِنْ الْمُسِرِّ قَدْ يَشْتَهِي الطَّعَامَ.^۳

^۱ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۱، ۴۰۱

^۲ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۲، ۴۰۱

^۳ الكافي، ج ۲، ۲۰۳

سدیر می‌گوید امام صادق علیه‌السلام به من گفت: چرا روزی یک برده آزاد نمی‌کنی؟ گفتم توان مالی برای این کار ندارم. حضرت فرمودند: پس هر روز غذای یک مسلمان را تهیه کن. گفتم: تفاوتی ندارد فقیر یا غنی باشد؟ حضرت فرمودند: غنی هم گاه به غذا نیاز دارد.

سَعِيدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّجِيءُ أَحَدَكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيَدْخُلُ يَدُهُ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ فَقُلْتُ مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فَبِينَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَا شَيْءَ إِذَا قُلْتَ فَالْهَلَاكُ إِذَا فَقَالَ: إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا أَحْلَامَهُمْ بَعْدُ^۱

سعید بن حسن می‌گوید امام باقر علیه‌السلام از من سؤال کرد: آیا یکی از شما از اموال برادر خود برای رفع نیازهایش بر می‌دارد. گفتم: چنین کاری در بین ما سابقه نداشته است. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: پس خبری نیست. گفتم پس هلاک شده ایم. حضرت فرمودند: چنین مردمی هنوز عقل کاملی ندارند.

كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: عَظُمُوا أَصْحَابَكُمْ وَ وَقَرُّوهُمْ وَ لَا يَتَجَهَّمُ^۲ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ لَا تَضَارُّوا وَ لَا تَحَاسَدُوا وَ إِيَّاكُمْ وَ الْبُخْلَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ^۳.

امام باقر علیه‌السلام مکرر می‌فرمودند: یاران خود را بزرگ بشمارید و به آنها احترام بگذارید و با یکدیگر بدرفتاری نکنید و به هم زیان نرسانید و حسادت نکنید. و از بخل پرهیزید تا از بندگان با اخلاص خداوند باشید.

^۱ الکافی، ج ۲، ۱۷۴

^۲ جهمه: استقبله بوجه کریمه.

^۳ الکافی، ج ۲، ۱۷۳

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ وَشَرُّ النَّاسِ مَنْ تَأَدَّى بِهِ النَّاسُ وَشَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتَّقَاءَ شَرِّهِ وَشَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ^١

بهترین مردم کسی است که به دیگران سود برساند و بدترین مردم کسی است که دیگران را آزار دهد و بدتر از او کسی است که مردم از ترس شرارت‌هایش به او احترام بگذارند و بدتر از اینها کسی است که دین خود را برای دنیای فردی دیگر از دست بدهد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَيُّمَا مُسْلِمٍ زَارَ مُسْلِمًا فَلَيْسَ إِيَّاهُ زَارَ إِيَّايَ زَارَ وَثَوَابُهُ عَلَى الْجَنَّةِ.^٢

خداوند عزوجل می‌فرماید: هر مسلمانی که به دیدار مسلمان دیگری برود او را زیارت نمی‌کند بلکه مرا زیارت کرده است و ضمانت می‌کنم که بهشت ثواب این زیارت است.

امام باقر علیه‌السلام: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا، أَدْخَلَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - يَدَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا، وَأَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ، فَإِذَا أَقْبَلَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - بِوَجْهِهِ عَلَيْهِمَا، تَحَاتَّتْ عَنْهُمَا الذُّنُوبُ كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ».^٣

^١ البحار ج ١٦ ١٦٤.

^٢ الكافي، ج ٢، ١٧٦.

^٣ الكافي (ط - دارالحدیث)، ج ٣، ٤٦٠.

دو مومن که یکدیگر را ببینند و با یکدیگر دست بدهند خداوند عز و جل دست رحمت خود را بین دستهای آنها قرار می‌دهد و به کسی که رفیقش را بیشتر دوست دارد توجه می‌کند. پس اگر خداوند عزوجل به آن دو توجه کند گناهان آنها مانند برگ درخت می‌ریزد.^۱

امام صادق علیه‌السلام: اخْدُمُ أَخَاكَ فَإِنَّ اسْتِخْدَمَكَ فَلَا وَ لَا كَرَامَةَ^۲

به برادر خود خدمت کن. اما اگر تو را به خدمت گرفت خدمتش نکن و دیگر احترام او نیز لازم نیست.

مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هَذَا قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَصْرَانِيٌّ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.^۳

پیرمردی نابینا و سالخورده در حال عبور بود. امیرالمومنین علیه‌السلام از زندگی او سؤال کردند. یاران ایشان پاسخ دادند که او مسیحی است. حضرت فرمودند: از او کار کشیدید تا اکنون که پیر و ناتوان است او را محروم کرده‌اید. از بیت‌المال هزینه زندگی او را بدهید.

امام باقر علیه‌السلام: مَنْ خَالَطْتَ فَإِنَّ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ يَدَكَ الْعُلْيَا عَلَيْهِ فَاَفْعَلْ.^۴

^۱ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ۴۶۰

^۲ البحار ج ۱۶، ۴۹.

^۳ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - التقدیمه)، ج ۶، ۲۷۲.

^۴ المحاسن، ج ۲، ۳۵۸

با کسانی که همنشین هستی اگر می توانی دست برتر را داشته باش.

امام باقر علیه السلام: لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا سَأَلَ أَحَدٌ أَحَدًا وَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُعْطَى مَا فِي الْعَطِيَّةِ مَا رَدَّ أَحَدٌ أَحَدًا.^۱

اگر درخواست کننده می دانست که درخواست چه نتیجه ای دارد هیچ کس از دیگری چیزی را درخواست نمی کرد و اگر عطاکننده می دانست که نتیجه بخشیدن چیست، هیچ کس درخواست دیگری را رد نمی کرد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؟: الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَ تَصَلُّ مِنْ قَطْعِكَ، وَ الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ، وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ.^۲

آیا از بهترین خلائق دنیا و آخرت خبرتان دهم؟ بخشیدن کسی که به تو ظلم کرده و ارتباط با کسی که با تو قطع رابطه کرده و احسان به کسی که به تو بدی کرده و بخشش به کسی که تو را محروم کرده است.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يُعِزِّكُمْ اللَّهُ.^۳

بخشید که بخشیدن چیزی جز عزت و بزرگی برای بنده ندارد. پس خداوند شما را عزت دهد، یکدیگر را ببخشید.

^۱ الکافی، ج ۴، ۲۰

^۲ الکافی، ج ۲، ۱۰۷

^۳ الکافی، ج ۲، ۱۰۸

امیرالمومنین علیه السلام: اسْلُكُوا سُبُلَ الْخَيْرِ وَلَا تَسْتَوْحِشُوا فِيهَا لِقَلَّةِ أَهْلِهَا وَ اذْكُرُوا حَسَنَ صُحْبَةِ اللَّهِ^۱

در راه خیر وارد شوید و از خلوت بودن آن و از اینکه اهل خیر اندکند وحشت نکنید. در راه خیر زیبایی همراهی خداوند را به یاد بیاورید.

دوستی با دیگران

امام صادق علیه السلام: كَانَ عِنْدَهُ قَوْمٌ يُحَدِّثُهُمْ إِذْ ذَكَرَ رَجُلٌ مِنْهُمْ رَجُلًا فَوَقَعَ فِيهِ وَ شَكَاهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ أَنَّى لَكَ بِأَخِيكَ كُلَّهُ وَ أَيُّ الرَّجَالِ الْمُهَذَّبِ^۲.

شخصی از دوست خود نزد امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمودند: دوست کامل کجا پیدا می‌کنی و انسانهای بی عیب کجا پیدا می‌شوند.

امام صادق علیه السلام: لَا تُفْتَشِ النَّاسَ فَتَبْقَى بِلَا صَدِيقٍ^۳.

در زندگی مردم کنجکاوی نکن که بدون دوست می‌مانی^۴.

امیرالمومنین علیه السلام: مَنْ اسْتَفْصَى عَلَى صَدِيقِهِ انْقَطَعَتْ مَوَدَّتُهُ^۵

^۱ تحف العقول، ۲۲۰

^۲ الکافی، ج ۲، ۶۵۱

^۳ الکافی، ج ۲، ۶۵۲

^۴ در حدیث دیگر است که در دین مردم نیز کنجکاوی نکنید که بدون دوست می‌مانید: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي بَصِيرٍ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا تُفْتَشِ النَّاسَ عَنْ أَدْيَانِهِمْ فَتَبْقَى بِلَا صَدِيقٍ. (تحف العقول، ۳۶۹)

^۵ غرر الحکم و درر الکلم، ۶۲۴

هر که بر دوست خود خرده گیری کند، دوستی او به پایان می‌رسد.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِخْوَانُ صِنْفَانِ إِخْوَانُ الثَّقَةِ وَ إِخْوَانُ الْمُكَاشَرَةِ^۱ فَأَمَّا إِخْوَانُ الثَّقَةِ فَهُمْ الْكَفُّ وَ الْجَنَاحُ وَ الْأَهْلُ وَ الْمَالُ فَإِذَا كُنْتَ مِنْ أَخِيكَ عَلَى حَدِّ الثَّقَةِ فَأَبْذُلْ لَهُ مَالَكَ وَ بَدَنَكَ - وَ صَافٍ مِنْ صَافِهِ وَ عَادَ مِنْ عَادَاهُ وَ أَكْتَمَ سِرَّهُ وَ عَيْبَهُ وَ أَظْهَرَ مِنْهُ الْحَسَنَ وَ أَعْلَمَ أَيُّهَا السَّائِلُ أَنَّهُمْ أَقَلُّ مِنَ الْكَبِيرَةِ الْأَحْمَرِ وَ أَمَّا إِخْوَانُ الْمُكَاشَرَةِ فَإِنَّكَ تُصِيبُ لَذَّتَكَ مِنْهُمْ فَلَا تَقْطَعَنَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ وَ لَا تَطْلُبَنَّ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ مِنْ ضَمِيرِهِمْ وَ أَبْذُلْ لَهُمْ مَا بَدَلُوا لَكَ مِنْ طَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حَلَاوَةِ اللِّسَانِ.^۲

دوستان دو دسته‌اند. دوستان مطمئن و دوستانی برای بگو و بخند. دوستان مطمئن پناهگاه و بال پروازند و مانند خانواده و مال انسان هستند. اگر دوست مطمئنی داری مال و جان خود را از او دریغ نکن. با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمن باش. رازدار او باش و خوبی او را بگو و بدان که این قبیل دوستان بسیار نایبند.

اما دوستانی که برای بگو و بخند داری از آنها لذت می‌بری. پس لذت با آنها بودن را از دست نده و بیش از این نیز از آنها انتظار نداشته باش. به اندازه خود آنها با آنها گشاده رو و شیرین سخن باش.

مقام تزکیه

امیرالمومنین علیه السلام: عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُحْصِيَ عَلَى نَفْسِهِ مَسَاوِيَهَا فِي الدِّينِ وَ الرَّأْيِ وَ الْأَخْلَاقِ وَ الْأَدَبِ فَيَجْمَعُ ذَلِكَ فِي صَدْرِهِ أَوْ فِي كِتَابٍ وَ يَعْمَلُ فِي إِزَالَتِهَا^۳

^۱ کاشره إذا ضحك في وجهه و باسط.

^۲ الكافي، ج ۲، ۲۴۸

^۳ غرر الحكم و درر الكلم، ۴۵۳

بر خردمند لازم است که فهرستی از نقاط ضعف خود را در دین، اندیشه، اخلاق و آداب تهیه کند و آن را به ذهن بسپارد یا در دفتری ثبت کند و برای برطرف کردن آنها تلاش کند.

أَتَى رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ لَا يَفْقِدُكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَ لَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ قَالَ زِدْنِي قَالَ لَا أَجِدُ^۱

فردی پیش امام صادق علیه السلام آمد و گفت ای فرزند رسول خدا توصیه‌ای به من داشته باشید. حضرت فرمودند: خداوند آنجا که تو را امر کرده غایب نبیند و آنجا که تو را نهی کرده حاضر نبیند. آن فرد گفت توصیه‌ای دیگر بفرمایید. حضرت فرمودند یزی بیش از این لازم نیست.

امیر المومنین علیه السلام: أَتَقِيَ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَىٰ وَ إِنِ قَلَّ وَ اجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَ إِنِ رَقَّ^۲

مقداری از خدا بترس هر چند اندک باشد و بین خودت و خدا پرده‌ای از حیا نگهدار هر چند کامل نباشد.

امام صادق علیه السلام: مَنْ أَخْلَصَ بَاطِنَهُ لِلَّهِ تَعَالَىٰ وَ خَشَعَ لَهُ بِقَلْبِهِ وَ رَأَىٰ نَفْسَهُ مُقَصِّرًا بَعْدَ بَدَلٍ كُلِّ مَجْهُودٍ وَ جَدَّ الشُّكْرَ عَلَيْهِ حَاصِلًا وَ يَكُونُ مِمَّنْ يُرْجَىٰ لَهُ الْخُلَاصُ مِنَ الرِّيَاءِ وَ النِّفَاقِ إِذَا اسْتَقَامَ عَلَىٰ ذَلِكَ فِي كُلِّ حَالٍ^۳

^۱ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ۲۳۹

^۲ نهج البلاغه، ۵۱۱

^۳ الکافی، ج ۲، ۴۵۱

آنکه باطش را برای خداوند متعال خالص گرداند و برای خداوند در دل خشوع کند و بعد از آنکه همه تلاش خود را کرد باز خود را مقصر بداند، اگر همیشه بر این حال استقامت ورزد از این راه به مقام شاکرین می‌رسد و از کسانی است که امید می‌رود از ریا و نفاق نجات یابد.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَرَكَ الْخَطِيئَةَ أَيْسَرُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ وَ كَمْ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةً أَوْرَثَتْ حُزْنَ طَوِيلًا وَ الْمَوْتَ فَضَحَ الدُّنْيَا فَلَمْ يَتْرِكْ لِذِي لُبٍّ فَرَحًا.^۱

ترک خطا آسانتر از توبه است. چه بسا یک لحظه شهوت که اندوهی طولانی به دنبال دارد. مرگ رسوایی دنیاست که مانع سرخوشی خردمند است.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا هُوَ اللَّهُ وَ الشَّيْطَانُ وَ الْحَقُّ وَ الْبَاطِلُ وَ الْهُدَى وَ الضَّلَالَةُ وَ الرُّشْدُ وَ الْغَىُّ وَ الْعَاجِلَةُ وَ الْآجِلَةُ وَ الْعَاقِبَةُ وَ الْحَسَنَاتُ وَ السَّيِّئَاتُ فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنَاتٍ فَلِلَّهِ وَ مَا كَانَ مِنْ سَيِّئَاتٍ فَلِلشَّيْطَانِ لَعْنَةُ اللَّهِ.^۲

ای مردم همانا خداست و شیطان، حق است و باطل، هدایت است و گمراهی، راستی است و کژی، آخرت است و دنیای زودگذر و عاقبت، خوبیها هستند و بدیها، پس خوبیها از خداست و بدیها از شیطان که لعنت خدا بر او باد.^۳

^۱ الکافی، ج ۲، ۴۵۱

^۲ الکافی، ج ۲، ۱۶

^۳ انسان در هر لحظه و در هر رفتاری در دوراهی حق و باطل قرار دارد و بین خدا و شیطان یکی را انتخاب می‌کند. این حدیث شریف از جنگ بین حق و باطل در همه شؤون زندگی خبر می‌دهد. این جنگ دائمی در درون هر فردی و در هنگام

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى الْمَلَكَوتِ.^۱

اگر شیطانها اطراف قلب انسانها نمی چرخیدند، آنها ملکوت را می دیدند.

امام صادق علیه السلام: يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السُّلْمِ يُصْعَدُ مِنْهُ مَرَقَاءٌ بَعْدَ مَرَقَاءٍ فَلَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الْاِثْنَيْنِ لِصَاحِبِ الْوَاحِدِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْعَاشِرِ فَلَا تُسْقِطُ مَنْ هُوَ دُونَكَ فَيُسْقِطَكَ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ وَإِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكَ بِدَرَجَةٍ فَارْفَعْهُ إِلَيْكَ بِرَفْقٍ وَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرْهُ - فَإِنَّ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ.^۲

ای عبدالعزیز ایمان ده درجه دارد و مانند نردبانی است که باید گام به گام بالا رفت. پس آنکه در پله دوم است هرگز به کسی که در پله اول است نگوید که تو به جایی نرسیده‌ای تا به درجهٔ نهایی برسد. پس هرگز آن را که پایین تر از توست زمین نزن که آنکه بالاتر از توست تو را زمین می زند. و اگر کسی را دیدی که در درجهٔ پایین تر از توست با رفاقت و مدارا او را به بالا هدایت کن و هرگز او را به آنچه طاقت ندارد مجبور نکن که زمین می خورد و هر که مومنی را زمین زند بر اوست که جبران کند.

امیرالمومنین علیه السلام: مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ^۳

هر تصمیمی وجود دارد و در جوامع بشری نیز نمودی بیرونی دارد: الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (نساء، ۷۶)

^۱ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ۵۹

^۲ الکافی، ج ۲، ۴۵

^۳ نهج البلاغه، ۴۷۲

هر کس چیزی را پنهان کند در لغزشهای زبانی او و حالات چهره‌اش آشکار خواهد شد.

امام صادق علیه‌السلام: مَا يَصْنَعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يُظْهَرَ حَسَنًا وَ يُسَرَّ سَيِّئًا، أَلَيْسَ يَرْجِعُ إِلَى نَفْسِهِ، فَيَعْلَمُ أَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ كَذَلِكَ؟ وَاللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - يَقُولُ: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» إِنَّ السَّرِيرَةَ إِذَا صَحَّتْ، قَوِيَتْ الْعَلَانِيَةَ.^۱

چرا برخی از شما در آشکار خوبی می‌کنند و در پنهان بدی. آیا به درون خود توجه نمی‌کنند و خودشان نمی‌دانند که طوری که وانمود می‌کنند نیستند. خداوند عزوجل می‌فرماید: «بلکه انسان به خود آگاه است.» درون اگر درست شد آشکار نیز اصلاح می‌شود.

ابا حفص: إِنِّي لَأَتَعَشَّى مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَ لَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ» يَا أَبَا حَفْصٍ مَا يَصْنَعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَى النَّاسِ بِخِلَافِ مَا يَعْلَمُ اللَّهُ مِنْهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَقُولُ مَنْ أَسْرَّ سَرِيرَةَ الْبَسَةِ اللَّهُ رَدَّاهَا إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَ إِنَّ شَرًّا فَشَرٌّ.^۲

شب نزد امام صادق علیه‌السلام بودم که این آیه را تلاوت نمودند که: «انسان بر نفس خود آگاه است و لو اینکه رفتار خود را توجیه کند و عذرهایی بتراشد» و فرمودند: ای اباحفص چرا برخی رفتار خود را بر خلاف آنچه خداوند از او می‌داند جلوه می‌دهند. پیامبر اکرم می‌فرمایند: کسی که کاری را در نهان انجام دهد، خداوند متعال لباس آن را بر او می‌پوشاند. اگر نهان زندگی او نیک باشد آشکار زندگی او نیز نیک خواهد بود و اگر نهان بد باشد آشکار نیز بد خواهد بود.

^۱ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ۷۲۳

^۲ الکافی، ج ۲، ۲۹۶

امام صادق علیه السلام: «مَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ خَيْرًا إِلَّا لَمْ تَذْهَبِ الْأَيَّامُ حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ خَيْرًا، وَمَا مِنْ عَبْدٍ يُسِرُّ شَرًّا إِلَّا لَمْ تَذْهَبِ الْأَيَّامُ حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ لَهُ شَرًّا»^۱.

هر بنده‌ای که کار خوبی را پنهان کند خداوند در طول عمرش خوبی او را فاش می‌کند و هر بنده‌ای که کار بدی را پنهان کند، خداوند در طول عمرش بدی او را فاش می‌کند.

امیر المومنین علیه السلام: مَنْ أَصْلَحَ سِرِّرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عِلَانِيَتَهُ وَ مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَّاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ^۲

کسی که نهان و درون خود را اصلاح کند خداوند متعال امور آشکار و بیرونی او را اصلاح می‌کند. آنکه برای دین خود عمل کند خداوند امور دنیایی او را تضمین می‌کند. آنکه آنچه را بین او و خدای اوست نیکو کند خدا آنچه را بین او و مردم است نیکو می‌کند.

امام صادق علیه السلام: احْذَرُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تَحْذَرُونَ أَعْدَاءَكُمْ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَعْدَى لِلرِّجَالِ مِنْ اتِّبَاعِ أَهْوَائِهِمْ وَ حَصَائِدِ^۳ أَلْسِنَتِهِمْ^۴.

همان‌گونه که از دشمنان خود می‌ترسید از هواهای نفس خود نیز بترسید. برای انسان هیچ چیز به اندازه پیروی از هواهای نفسانی و زیاده‌گویی ضرر ندارد.

^۱ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ۷۲۳، ۱۱۶

^۲ نهج البلاغه، ۵۵۱

^۳ حصائد ألسنتهم ما یقطعونه من الکلام الذی لا خیر فیہ.

^۴ الکافی، ج ۲، ۳۳۵

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ كِبْرِيَائِي وَ نُورِي وَ عَلْوِي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَى هَوَايَ إِلَّا شَتَّتْ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَ لَبَسَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ شَغَلَتْ قَلْبَهُ بِهَا وَ لَمْ أُؤْتَهُ مِنْهَا إِلَّا مَا قَدَرْتُ لَهُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ نُورِي وَ عَلْوِي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَى هَوَاهُ إِلَّا اسْتَحْفَظْتُهُ مَلَائِكَتِي وَ كَفَلْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ وَ أَتَتْهُ الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِمَةٌ^١.

خداوند عزوجل می‌فرماید: قسم به عزت و جلال و عظمت و کبریا و نور و بزرگی و بلندی مرتبه‌ام که هر بنده‌ای هوای نفس خود را بر خواسته‌های من ترجیح دهد دنیای او را به هم می‌ریزم و دل او به امور دنیایی مشغول می‌کنم و به او چیزی از دنیا بیش از آنچه برایش تقدیر کرده‌ام نمی‌دهم. و قسم به عزت و جلال و عظمت و نور و بزرگی و بلندی مرتبه‌ام، بنده‌ای که خواست من را بر هوای نفس خود ترجیح دهد او را با فرشتگان محافظت می‌کنم و در آسمانها و زمین رزق او را تضمین می‌کنم و در هر تجارتی از او حمایت می‌کنم و دنیا با ذلت تسلیم او می‌شود.

مقام خشیت و دعا

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَقْشَعَرَ قَلْبَ الْمُؤْمِنِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَحَاثَّتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ كَمَا تَتَحَاثُّ مِنَ الشَّجَرِ وَرُفْهَا^٢

آنگاه که قلب مومن از ترس خداوند بلرزد گناهانش مانند برگ درخت می‌ریزد.

امام صادق علیه السلام: إِذَا أَقْشَعَرَ جِلْدُكَ وَ دَمَعَتْ عَيْنَاكَ فَدُونِكَ دُونِكَ فَقَدْ قَصِدَ قَصْدُكَ^١.

^١ الکافی، ج ٢، ٣٣٥.

^٢ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ٦٧، ٣٩٤.

هر گاه بدنت لرزید و اشکت جاری شد هر چه می خواهی طلب کن که به تو توجه شده است.

امام صادق علیه السلام: [لقمان] قَالَ لِابْنِهِ خَفِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خِيفَةً لَوْ جِئْتَهُ بِبِرِّ الثَّقَلَيْنِ لَعَذَّبَكَ وَارْحُ اللَّهَ رَجَاءً لَوْ جِئْتَهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ لَرَحِمَكَ^۲

لقمان به فرزند خود توصیه می کرد که به اندازه ای از خداوند متعال خوف داشته باش که اگر کارهای نیک تو به اندازه ای کارهای نیک انس و جن باشد باز خود را مستحق عذاب او بدانی و به اندازه ای به او امید داشته باش که گویی اگر با گناههای انس و جن نزد او حاضر شوی تو را می بخشد.

امام صادق علیه السلام: مَنْ خَافَ اللَّهَ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.^۳

کسی که از خدا بترسد خداوند متعال همه چیز را از او می ترساند و کسی که از خدا نترسد خدا او را از همه چیز می ترساند.^۴

^۱ الکافی، ج ۲، ۴۷۸.

^۲ الکافی، ج ۲، ۶۷.

در ادامه روایت است که ترس و امید در قلب مومن برابرند و هیچ یک از این دو بر دیگری غلبه نمی کند: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَبِي يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا [وَأ] فِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خِيفَةٌ وَنُورٌ رَجَاءٌ لَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا.

^۳ الکافی، ج ۲، ۶۸.

^۴ در روایت دیگر است که کسی که از خدا بترسد از او می ترسند و کسی که خداوند را اطاعت کند از او اطاعت می کنند: امام رضا علیه السلام: «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يَتَّقَى، وَمَنْ أَطَاعَ اللَّهَ، يُطَاعُ» الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱، ۳۳۷.

امام صادق علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْرَبُونَ بِمِثْلِهِ^۱

از دعا کردن غفلت نکنید که چیزی مانند دعا شما را به خداوند متعال نزدیک نمی‌کند.

امام صادق علیه السلام «يَا مُيسِرُ، ادْعُ، وَ لَا تَقُلْ: إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ؛ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - مَنَزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ، وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلْ، لَمْ يُعْطَ شَيْئًا؛ فَسَلْ تُعْطَ. يَا مُيسِرُ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُقْرَعُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يَفْتَحَ»^۲

ای میسر دعا کن و نگو کار از کار گذشته است. نزد خداوند جایگاهی است که تنها با دعا به دست می‌آید. اگر بنده دهان ببندد و چیزی نخواهد چیزی به او داده نمی‌شود. بخواه تا به تو داده شود. دری را که می‌زنی امید است که باز شود.

امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمَلَائِكِينَ قَدْ اسْتَجَبْتَ لَهُ وَ لَكِنْ أَحْبَسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَجَلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أَبْغِضُ صَوْتَهُ»^۳

^۱ الکافی، ج ۲، ۴۶۷.

ادامه حدیث این گونه است که «وَلَا تَتْرُكُوا صَغِيرَةً لِيَصْغُرَ بِهَا أَنْ تَدْعُوا بِهَا إِنَّ صَاحِبَ الصَّغَارِ هُوَ صَاحِبُ الْكِبَارِ». امثال این حدیث که نشان می‌دهد دعاهای کوچک ما بهانه‌ای برای ارتباط با خداوند بزرگی است که هر چند چیزهای کوچکی را از او می‌خواهیم اما او متناسب با کرم خود پاسخ خواهد داد و در هر صورت حوائج ما بهانه‌ای برای نزدیکی به اوست.

^۲ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ۲۹۸.

^۳ الکافی، ج ۲، ۴۸۹.

بندهای دعا می‌کند و خداوند عزوجل به فرشتگان می‌فرماید دعایش را مستجاب کردم اما حاجتش را ندهید که دوست دارم صدایش را بشنوم. بندهای هم دعا می‌کند و خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید زود حاجتش را بدهید که نمی‌خواهم صدایش را بشنوم.

امام صادق علیه‌السلام: عَلَيْكُمْ بِإِتْيَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْ زُورِهِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالِدُعَاءِ وَصَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بُقْعَةٍ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّيِ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱

اهل مسجد باشید. مسجد خانه خداوند در زمین است. آنکه پاکیزه به مسجد رود خداوند گناهانش را پاک می‌کند و او را از زائران خود می‌نویسد. در مسجد زیاد نماز بخوانید و زیاد دعا کنید. در مکانهای مختلف مسجد نماز بخوانید. چون در قیامت هر مکانی برای آنکه در آن نماز خوانده شهادت می‌دهد.

مقام زهد

مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ قَبْرِ وَهُوَ يَقُولُ: إِنَّ شَيْئًا هَذَا آخِرُهُ لِحَقِيقٍ أَنْ يُزْهَدَ فِي أَوْلِهِ وَإِنَّ شَيْئًا هَذَا أَوْلُهُ لِحَقِيقٍ أَنْ يُخَافَ آخِرَهُ.^۲

امام موسی کاظم علیه‌السلام به قبری اشاره کردند و فرمودند: دنیایی که آخرش قبر است سزاوار است که از آغازش زهد بورزیم و آخرتی که ابتدایش قبر است سزاوار است که از پایانش بترسیم.

امام سجاد علیه‌السلام: أَلَا وَإِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ». ^۱

^۱ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸۰، ۳۸۴

^۲ معانی الأخبار، ۳۴۳

همانا زهد در این آیه قرآن است که «بر آنچه از دست داده‌اید تأسف نخورید و از آنچه به شما داده شده سرخوش نشوید.»

امام صادق علیه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثَبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَبَصَّرَهُ عَيْوَبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا وَأَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا^۲ إِلَى دَارِ السَّلَامِ^۳

آنکه در دنیا زهد^۴ ورزد خداوند متعال حکمت را در دلش جای می‌دهد و آن را بر زبانش جاری می‌کند و عیبهای دنیا و درمان آنها را به او نشان می‌دهد و او را با دلی پاک از دنیا به سوی بهشتی که دارالسلام است می‌برد.

^۱ الکافی، ج ۲، ۱۲۸

^۲ سلامت دل از کفر و شرک و ذائل اخلاقی شرط سعادت است. امیرالمومنین علیه السلام در مناجات مسجد کوفه از روزی به خداوند پناه می‌برد و امان می‌طلبد که تنها قلب سلیم به کار می‌آید: اللهم انی اسئلك الامان «یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتى الله بقلب سلیم.» و در نهج البلاغه می‌فرماید: کسی که قلب سلیم دارد به راه سعادت و سلامت می‌رسد.

فَطُوبَى لِمَنْ لَدَى قَلْبٍ سَلِيمٍ أَطَاعَ مَنْ يَهْدِيهِ وَتَجَنَّبَ مَنْ يُرْدِيهِ وَأَصَابَ سَبِيلَ السَّلَامَةِ (نهج البلاغه، ۳۳۱)

^۳ الکافی، ج ۲، ۱۲۸

^۴ زهد در اسلام به معنای رهبانیت و ترک دنیا نیست. بلکه به این معناست که دنیا مقصد نیست و ابزاری است برای مقصدی متعالی که دارالسلام است. زاهد در هر جامعه‌ای با وجود بهره‌مندی اندک بیشترین فایده را برای جامعه دارد. در روایتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله صد و سه وصف را برای کمال ایمان بیان کرده‌اند آمده است که مومن کم‌هزینه و پرکار است: قَلِيلَ الْمُتُونَةِ كَثِيرَ الْمُعُونَةِ، (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ۱۸۰)

عَنْ جَابِرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا جَابِرُ وَاللَّهِ إِنِّي لَمَحْزُونٌ وَإِنِّي لَمَشْغُولُ الْقَلْبِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا شَغَلَكَ وَمَا حَزَنَ قَلْبَكَ فَقَالَ يَا جَابِرُ إِنَّهُ مَنْ دَخَلَ قَلْبَهُ صَافِي خَالِصٍ دِينَ اللَّهِ شُغِلَ قَلْبُهُ عَمَّا سِوَاهُ يَا جَابِرُ مَا الدُّنْيَا وَمَا عَسَى أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا هَلْ هِيَ إِلَّا طَعَامٌ أَكَلْتَهُ أَوْ تَوْبٌ لَبِسْتَهُ أَوْ امْرَأَةٌ أَصَبَتْهَا يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَطْمَئِنُّوا إِلَى الدُّنْيَا بِبَقَائِهِمْ فِيهَا وَلَمْ يَأْمَنُوا قُدُومَهُمُ الْآخِرَةَ يَا جَابِرُ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ وَالدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ وَكَانَ الْمُؤْمِنِينَ هُمُ الْفُقَهَاءُ أَهْلُ فِكْرَةٍ وَعِبْرَةٍ لَمْ يُصِمِّهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ مَا سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ وَلَمْ يُعْمِهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ مَا رَأَوْا مِنَ الزَّيْنَةِ بِأَعْيُنِهِمْ فَفَازُوا بِثَوَابِ الْآخِرَةِ كَمَا فَازُوا بِذَلِكَ الْعِلْمِ وَاعْلَمْ يَا جَابِرُ أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَيْسَرُ أَهْلَ الدُّنْيَا مَثُونَةٌ وَأَكْثَرُهُمْ لَكَ مَعُونَةٌ تَذَكَّرُ فِعْيُونَكَ وَإِنْ نَسِيتَ ذَكَرُوكَ قَوَّالُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ قَوَّامُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ قَطَعُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ وَوَحَّشُوا الدُّنْيَا لَطَاعَةَ مَلِكِهِمْ وَنَظَرُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَى مَحَبَّتِهِ بِقُلُوبِهِمْ وَعَلِمُوا أَنَّ ذَلِكَ هُوَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ لِعَظِيمِ شَأْنِهِ فَانزَلَ الدُّنْيَا كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ ثُمَّ ارْتَحَلَتْ عَنْهُ أَوْ كَمَالِ وَجَدْتُهُ فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقِظْتَ وَلَيْسَ مَعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ إِنِّي [إِنَّمَا] ضَرَبْتُ لَكَ هَذَا مَثَلًا لِأَنَّهَا عِنْدَ أَهْلِ اللَّبِّ وَالْعِلْمِ بِاللَّهِ كَفَىءَ الظُّلَالِ يَا جَابِرُ فَاحْفَظْ مَا اسْتَرَعَاكَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ مِنْ دِينِهِ وَحِكْمَتِهِ وَلَا تَسْأَلَنَّ عَمَّا لَكَ عِنْدَهُ إِلَّا مَا لَهُ عِنْدَ نَفْسِكَ فَإِنَّ تَكُنَّ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِ مَا وَصَفْتُ لَكَ فَتَحَوَّلْ إِلَى دَارِ الْمُسْتَعْتَبِ فَلَعْمَرِي لَرُبِّ حَرِيصٌ عَلَى أَمْرِ قَدْ شَقِيَ بِهِ حِينٌ آتَاهُ وَ لَرُبِّ كَارِهِ لِأَمْرِ قَدْ سَعَدَ بِهِ حِينٌ آتَاهُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ١

جابر می گوید نزد امام باقر علیه السلام رفتم. ایشان فرمودند: ای جابر به خدا قسم غمگینم و دلم گرفته. گفتم فدای شما شوم گرفتاری شما چیست و دل شما از چه چیزی گرفته است. حضرت فرمودند: جابر هر کس دین خالص خداوند در دل او جای بگیرد دلش از غیر خدا خالی می شود. جابر مگر دنیا چیست؟ دنیا چه می تواند باشد؟ آیا غیر از غذایی است که می خوری و لباسی که می پوشی و زنی که همسر توست. جابر مومنین اطمینانی به ماندن در دنیا ندارند و از ورود به آخرت احساس امنیت ندارند. جابر آخرت محل ماندن است و دنیا گذرا و محل نابودی است. اهل دنیا در غفلت هستند. اما مومنین مانند فقها اهل فکر کردن و عبرت گرفتن هستند. شنیدنی های دنیا آنها را از یاد خداوند - جل اسمه - ناشنوا نمی کند و

١ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ٣، ٣٤٤

١ اگر به اعمال خود توجه کنی نیازی نداری از مقام خود نزد خداوند سؤال کنی.

زینتهایی که می بینند آنها را از یاد خداوند نابینا نمی کند. پس با ثواب آخرت رستگار می شوند همانگونه که با این علم رستگار می شوند. جابر بدان که اهل تقوا نسبت به دیگران کمترین هزینه را دارند و بیشترین کمک را به تو می کنند. در ذکر خدا تو را یاری می کنند و اگر خدا را فراموش کنی به یادت می آورند. از دستورات خدا زیاد سخن می گویند و بر اوامر الهی پایبند هستند. دلبستگی ها را با محبت الهی قطع کرده اند و برای اطاعت از مالک خود از دنیا گریخته اند. به خداوند عزوجل و به محبتی که خداوند به دلهای آنها دارد توجه دارند و می دانند که هدف خداوند با عظمتی که دارد همین است.

دنیا را منزلگاهی بدان که اندکی در آن می مانی و سپس از آنجا کوچ می کنی. یا مقامی که در خواب می بینی و زمانی که بیدار می شوی چیزی از آن را نمی یابی. این مثال را از این رو زدم که دنیا نزد انسان خردمند و خداشناس مانند حرکت یک سایه است. پس ای جابر دین و حکمتی که خداوند در تو به امانت گذاشته است را پاس بدار. هرگز از آنچه نزد خدا داری سؤال نکن و فقط کافی است به آنچه خدا نزد تو دارد توجه کنی^۱. اگر دنیا را آنگونه که وصف کردم نمی بینی پس به آخرت بپرداز. پس به جانم قسم که گاهی انسان به چیزی دل می بندد و حرص می ورزد که رسیدن به آن باعث نابودی اوست و گاهی انسان از چیزی گریزان است که رسیدن به آن باعث سعادت اوست. خداوند متعال می فرماید: و برای اینکه مومنین آزمایش شوند و کافرین هلاک شوند.

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: قَدْ أَخْبَرَنِي حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَّ جِبْرَائِيلَ ع نَزَلَ إِلَيْهِ وَ مَعَهُ مَفَاتِيحُ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يُقْرَبُكَ السَّلَامُ وَ يَقُولُ لَكَ إِنَّ شَيْئًا صَيَّرَتْ مَعَكَ جِبَالَ تِهَامَةَ ذَهَبًا وَ فِضَّةً وَ خَذُ هَذِهِ مَفَاتِيحَ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ حِطِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ يَا جِبْرَائِيلُ وَ مَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ

الْمَوْتُ فَقَالَ إِذَا لَمْ حَاجَةً لِي فِي الدُّنْيَا دَعْنِي أَجُوعُ يَوْمًا وَأَشْبَعُ يَوْمًا فَالْيَوْمَ الَّذِي أَجُوعُ فِيهِ أَتَضَرَّعُ إِلَى رَبِّي
وَأَسْأَلُهُ وَالْيَوْمَ الَّذِي أَشْبَعُ فِيهِ أَشْكُرُ رَبِّي وَأَحْمَدُهُ فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ وَقَفْتَ لِكُلِّ خَيْرٍ يَا مُحَمَّدٌ.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من خبر داد که جبرئیل با کلیدهای گنجهای زمین نزد او آمد و گفت: ای محمد خدایی که سلام است به تو سلام می‌رساند^۲ و می‌فرماید: اگر اراده کنی کوههایی از طلا و نقره به تو خواهم داد. این کلیدهای گنجهای زمین را بگیر و این باعث نمی‌شود مرتبه تو در قیامت کاهش یابد. حضرت پرسیدند: جبرئیل پایان دنیا چیست؟ جبرئیل فرمود: پایانش مرگ است. حضرت فرمودند: پس نیازی به دنیا ندارم. بگذار گاهی گرسنه باشم و گاهی سیر. آنگاه که گرسنه‌ام به درگاه خدایم زاری می‌کنم و از او گدایی می‌کنم و آنگاه که سیر باشم پروردگارم را شکر می‌کنم و ثنای او می‌گویم. جبرئیل فرمود: ای محمد به همه خوبی‌ها نایل شده‌ای.

قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ كُنَّا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْبَصْرَةِ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ قِتَالِ مَنْ قَاتَلَهُ أَشْرَفَ عَلَيْنَا مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَقَالَ: مَا أَنْتُمْ فِيهِ فَقُلْنَا فِي ذِمِّ الدُّنْيَا فَقَالَ عَلَامَ تَذُمُّ الدُّنْيَا يَا جَابِرُ ثُمَّ حَمِدَ اللَّهُ وَآتَى عَلَيْهِ وَقَالَ أَمَا بَعْدُ فَمَا بَالُ أَقْوَامٍ يَذْمُونَ الدُّنْيَا انْتَحَلُوا الزُّهْدَ فِيهَا الدُّنْيَا مَنْزِلُ صَدَقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا وَمَسْكَنٌ عَافِيَةٌ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَدَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا مَسْجِدُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَمَهْبِطٌ وَحِيَهُ وَمُصَلَّى مَلَائِكَتِهِ وَمَسْكَنٌ أَحِبَّائِهِ وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَرَبِحُوا مِنْهَا الْجَنَّةَ فَمَنْ ذَا يَذُمُّ الدُّنْيَا يَا جَابِرُ وَقَدْ أَدْنَتْ بَيْنَهَا وَنَادَتْ بِانْقِطَاعِهَا وَنَعَتْ نَفْسَهَا بِالزَّوَالِ ... يَا جَابِرُ أَمْضِ مَعِيَ فَمَضَيْتُ مَعَهُ حَتَّى آتَيْنَا الْقُبُورَ فَقَالَ يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ أَمَا الْمَنَازِلُ فَقَدْ سَكِنَتْ وَ أَمَا الْمَوَارِيثُ فَقَدْ قُسِمَتْ وَ أَمَا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نَكَحَتْ هَذَا خَبْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبْرٌ مَا

این روایت را ام کلثوم دختر امیرالمومنین علیه‌السلام در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان از ایشان نقل می‌کند.

^۲ در برخی از ادعیه آمده که «خدایا تو سلامی و سلام از توست و سلام به سوی تو بر می‌گردد. خانه تو خانه سلام است پس ما را با سلام زنده بدار». اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ وَدَارُكَ دَارُ السَّلَامِ حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۹۷، ۴۱۲)

^۲. تحف العقول، ۱۸۷

عِنْدَكُمْ ثُمَّ أَمْسَكَ عَنِّي مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ وَالَّذِي أَقْلَّ السَّمَاءَ فَعَلَتْ وَ سَطَحَ الْأَرْضَ فَدَحَتْ لَوْ أُذِنَ لِلْقَوْمِ فِي الْكَلَامِ لَقَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ إِذَا شِئْتَ فَارْجِعْ^۱.

جابر می‌گوید با امیرالمومنین علیه‌السلام در بصره بودیم. ایشان بعد از آنکه از امور جنگ فارغ شدند، در اواخر شب نزد ما آمدند. پرسیدند: چه می‌کنید؟ گفتیم: از دنیا بد می‌گوییم. حضرت فرمودند جابر چرا از دنیا بد می‌گویید.

سپس حضرت حمد و ثنای خداوند کردند و فرمودند: چرا برخی که مدعی زهد در دنیا هستند از دنیا بد می‌گویند. دنیا برای کسی که صادقش بداند منزل راستی است و برای کسی که از آن بیاموزد خانه سلامت است. دنیا برای کسی که از آن توشه بردارد مکان بی‌نیاز است. دنیا مسجد پیامبران خداست. محل نزول وحی الهی است. مکان نماز ملائکه الهی است. خانه دوستداران خداوند است و برای اولیاء الهی محل تجارت است. در دنیا رحمت الهی شامل آنها می‌شود و از همین دنیا بهشت را به دست می‌آورند. پس ای جابر چه چیزی از دنیا را مذمت می‌کنید. دنیا که دور شدن خود را با صدای بلند اعلام کرده است و تمام

۱. بنابراین آنچه تحت عنوان دنیا مذمت شده است طبیعت یا ثروت و قدرت نیست. بلکه از وابستگی و دلبستگی به این امور و اصالت دادن به آنها نهی شده است. در فرازی از نهج البلاغه نیز مضمون مشابهی وجود دارد که از شیفتگی نسبت به دنیا نهی شده است: «تردید نکن که دنیا تو را فریب نداده، بلکه تو شیفته و فریفته دنیا شده‌ای. دنیا عبرتها را آشکار کرد و تو را به عدالت دعوت کرد. دنیا با دردهایی که در بدن تو قرار داد و با کاهشی که در قوای تو ایجاد کرد راستگوتر از آن است که تو را فریب دهد. دنیا خیرخواهی است که تو او را متهم می‌کنی و راستگویی است که او را دروغگو می‌پنداری. اگر دنیا را از روی شهرهای ویران و خانه‌های مخروبه بشناسی یادآوری دلسوزانه او و موعظه‌گری بلیغ او به دوستی دلسوز شباهت دارد که از نابودی تو نگران است. دنیا خوب خانه‌ای است برای کسی که آن را خانه خویش نداند. و محل خوبی است برای کسی که آن را وطن خویش نداند. فردای قیامت کسانی با دنیا به سعادت می‌رسند که امروز از دنیا گریزانند. وَ حَقًّا أَقُولُ مَا الدُّنْيَا غَرَّتْكَ وَ لَكِنْ بِهَا اغْتَرَّرْتَ وَ لَقَدْ كَاشَفْتِكَ الْعِظَاتِ وَ آذَنْتَكَ عَلَى سَوَاءٍ وَ لَهِيَ بِمَا تَعْدُكَ مِنْ نَزُولِ الْبَلَاءِ بِجَسْمِكَ وَ [النَّقْضِ] النَّقْضِ فِي قَوْلِكَ أَصْدَقُّ وَ أَوْفَى مِنْ أَنْ تُكَذِّبَكَ أَوْ تَغْرُكَ وَ لَرُبَّ نَاصِحٍ لَهَا عِنْدَكَ مَتَّهَمٌ وَ صَادِقٍ مِنْ خَبَرِهَا مُكَذَّبٌ وَ لَنْ تَعْرِفْتَهَا فِي الدِّيَارِ الْخَاوِيَةِ وَ الرَّبُوعِ الْخَالِيَةِ لِتَجِدْنَهَا مِنْ حُسْنِ تَذَكِيرِكَ وَ بَلَاغِ مَوْعِظَتِكَ بِمَحَلَّةِ الشَّفِيقِ عَلَيْكَ وَ الشَّيْحِ بِكَ وَ لَنْعَمَ دَارٌ مِنْ لَمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا وَ مَحَلٌّ مِنْ لَمْ يُوْطِنَهَا مَحَلًّا وَ إِنَّ السُّعْدَاءَ بِالدُّنْيَا غَدًا هُمُ الْهَارِبُونَ مِنْهَا نَهْجِ الْبَلَاغَةِ ، ص: ۳۴۵

شدن خود را ندا داده است و از پایان خود خیر داده است.^۱... سپس حضرت فرمودند جابر با من بیا. پس با حضرت همراه شدم تا به مزار رسیدیم. حضرت فرمودند: ای اهل خاک و ای اهل غربت. منزلهای شما را ساکن شدند و اموال شما را تقسیم کردند و همسران شما را صاحب شدند. این اخبار اینجاست. شما چه خبر دارید؟

حضرت مدتی ساکت شدند و سپس فرمودند: به خدا قسم اگر اجازه جواب داشتند می گفتند: اینجا بهترین توشه تقواست. سپس فرمودند جابر اگر می خواهی برگرد.^۲

امیر المومنین علیه السلام: مَا كُنْتُ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا وَأَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجَ وَبَلَىٰ إِن شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ تَقْرَىٰ فِيهَا الضَّيْفَ وَتَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ وَتُطَلِّعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطَالِعَهَا فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْكُو إِلَيْكَ أَخِي عَاصِمَ بْنَ زِيَادٍ قَالَ وَمَا لَهُ قَالَ لَبَسَ الْعِبَاءَةَ وَتَخَلَّىٰ عَنِ الدُّنْيَا قَالَ عَلِيٌّ بِهِ فَلَمَّا جَاءَ قَالَ يَا عُدَىٰ نَفْسِهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ أَمْ تَرَىٰ اللَّهُ أَحْلَلَ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَهُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا

^۲ جابر با تمام بزرگی خود در این روایت در ابتدا و انتهای راه با امیرالمومنین همراه نیست. در ابتدا آنجا که امیرالمومنین حمد و ثنای خداوند را می گوید جابر حمد و ثنا را نقل نمی کند و فقط به آن اشاره می کند. در حالی که این حمد و ثنا برای امیر المومنین بخش اصلی هر سخنی است. در پایان نیز امیرالمومنین به عنوان سرداری که تازه از امور جنگ فارغ شده است در مزار تنها می ماند. این بخش از زندگی امیر المومنین در تاریخ پنهان است. شاید از دعاهایی مانند کمیل و ابوحمزه بتوان راز و نیاز ایشان در آن مزار تاریک را حدس زد: فَمَا لِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِ أَبِي لَضِيقِ لِحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِ عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقَلِي عَلَى ظَهْرِي

در چنین شبهایی است که به خانواده حضرت خبر می دادند که علی را بی هوش و افتاده بر زمین دیده اند و در همین شبهاست که ایشان را در حومه شهر می دیدند که با دست خود به پوشاک و خوراک افراد بی خانمان رسیدگی می کند.

أَنْتَ فِي خُسُونَةٍ مَلْبَسِكَ وَجُسُوبَةٍ مَأْكَلِكَ قَالَ وَيَحْكُ إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَارْضَ عَلَيَّ أُمَّةً [الْحَقَّ] الْعَدْلِ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ^١

علاء بن زیاد خانه بزرگی داشت که حضرت هنگام ورود به آن خانه فرمودند:

این خانه بزرگ در دنیا به چه کار تو می آید. تو در آخرت به آن نیاز بیشتری داری و اگر خواهی می توانی با آن به آخرت برسی. اگر در این خانه از مهمان ها پذیرایی کنی و صله رحم کنی و از این خانه حقوقی را که بر گردن توست به صاحبان آن برسانی در این صورت با این خانه به آخرت می رسی. حضرت همچنین برادر علاء را که از دنیا کناره گرفته بود احضار کردند و خطاب به او فرمودند: ای دشمن جان خود. شیطان تو را سرگردان کرده است. چرا به خانواده خود رحم نمی کنی؟ گمان می کنی خداوند نعمتهای پاکیزه خود را حلال کرده است و با این حال دوست ندارد تو از آن استفاده کنی؟ تو کوچکتر از آن هستی که خداوند با تو چنین کند. برادر علاء گفت شما خودتان لباس خشن و خوراک دارید دارید. حضرت فرمودند: وای بر تو. من با تو فرق دارم. خداوند بر امامان حق واجب کرده است که زندگی خود را مانند ضعفای جامعه تنظیم کنند تا تنگدستی فقرا را به طغیان وا ندارد.

امیرالمومنین علیه السلام : أَمَا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَتَيْتَنِي عِنْدَ شِرَائِكَ مَا اشْتَرَيْتَ لَكْتُبْتُ لَكَ كِتَابًا عَلَيَّ هَذِهِ النُّسخَةُ فَلَمْ تَرْغَبْ فِي شِرَاءِ هَذِهِ الدَّارِ بِدَرَاهِمٍ فَمَا فَوْقُ وَ النُّسخَةُ هَذِهِ:

هَذَا مَا اشْتَرَيْتَ عَبْدٌ ذَلِيلٌ مِنْ مَيْتٍ قَدْ أُرْعَجَ لِلرَّحِيلِ اشْتَرَى مِنْهُ دَارًا مِنْ دَارِ الْغُرُورِ مِنْ جَانِبِ الْفَانِينَ وَ خِطَّةِ الْهَالِكِينَ وَ تَجْمَعُ هَذِهِ الدَّارُ حُدُودَ أَرْبَعَةِ الْحُدُودِ الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْأَقَاتِ وَ الْحَدُّ الثَّانِي يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ وَ الْحَدُّ الثَّلَاثُ يَنْتَهِي إِلَى الْهَوَى الْمُرْدِي وَ الْحَدُّ الرَّابِعُ يَنْتَهِي إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُغْوِي وَ فِيهِ يُشْرَعُ بَابُ هَذِهِ الدَّارِ اشْتَرَى هَذَا الْمُغْتَرُّ بِالْأَمَلِ مِنْ هَذَا ٢٨ الْمُرْعَجِ بِالْأَجَلِ هَذِهِ الدَّارُ بِالْخُرُوجِ مِنْ عِزِّ الْقَنَاعَةِ وَ الدُّخُولِ

^١ نهج البلاغة ، ٣٢٤

فِي ذُلِّ الطَّلَبِ وَالضَّرَاعَةِ فَمَا أُدْرِكَ هَذَا الْمُشْتَرَى فِيمَا اشْتَرَى مِنْهُ مِنْ دَرَكٍ فَعَلَى مُبْلِلِ أَجْسَامِ الْمُلُوكِ وَ
سَالِبِ نُفُوسِ الْجَبَابِرَةِ وَ مُزِيلِ مُلْكِ الْفَرَاعِنَةِ مِثْلِ كَسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ تَبَعَ وَ حَمِيرًا^١

حضرت امیرالمومنین علیه السلام خطاب به شریح قاضی که خانه‌ای مجلل خریده بود می‌فرماید: اگر هنگام خرید خانه نزد من آمده بودی برای تو سندی می‌نوشتم که برای خرید آن به درهمی یا بیشتر رغبت نمی‌کردی. آن سند را این گونه می‌نوشتم:

این خانه‌ای است که بنده‌ای خوار آن را از مرده‌ای که آماده‌ی کوچ است خریده است. خانه‌ای از شهر فریب که در محله‌ی نابودشوندگان و کوچه‌ی هلاک‌شدگان قرار دارد. این خانه به چهار جهت منتهی می‌شود: از یک طرف به آفت و بلا. از طرف دیگر به مصیبت و از طرف دیگر به هوا و هوسهای سست‌کننده و از طرف چهارم به شیطان گمراه‌کننده ختم می‌شود که در خانه به سمت او باز است.

این خانه را فریب‌خورده آزمند از کسی که به زودی از دنیا می‌رود به مبلغی خریده که او را از عزت و قناعت خارج کرده و به ذلت و دنیاپرستی کشانده است. هر گونه نقصی در این خانه است بر عهده‌ی خدایی است که اجساد پادشاهان را پوسانده و جان جباران را گرفته و کاخ سلطنت فرعون‌هایی مانند کسری و قیصر و تبع^٢ و حمیر^٣ را نابود کرده است.

امیرالمومنین علیه السلام: طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَالِدُعَاءَ وَلَمْ يَشْغَلْ قَلْبَهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ وَلَمْ يَنْسَ ذِكْرَ
اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ وَلَمْ يَحْزَنْ صَدْرَهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرَهُ.^٤

^١ نهج البلاغه، ٣٦٥

^٢ لقب شاهان یمن

^٣ لقب شاهان جنوب عربستان قبل از اسلام

^٤ الکافی، ج ٢، ١٦

خوشا به حال کسی که عبادت و دعای خود را با اخلاص و فقط برای خداوند تبارک و تعالی انجام دهد و دل او به آنچه با چشمهایش می بیند، مشغول نباشد و یاد خدا را به واسطه آنچه با گوشهایش می شنود فراموش نکند و قلب او به واسطه آنچه به دیگران داده شده است، محزون نباشد.

امام صادق علیه السلام: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ إِنَّ أَحَبَّتَ أَنْ تُجَاوِرَ الْجَلِيلَ فِي دَارِهِ وَ تَسْكُنَ الْفِرْدَوْسَ فِي جِوَارِهِ
فَلْتَهْنُ عَلَيْكَ الدُّنْيَا وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نُصَبَ عَيْنِكَ وَ لَا تَدْخِرْ شَيْئًا لَعْدًا^۱

ای ابن جندب اگر دوست داری در مجاورت خانه پروردگار بلند مرتبه باشی و در بهشت در همسایگی او ساکن شوی، پس باید دنیا را ناچیز بشماری و مرگ در برابر چشم تو باشد و چیزی برای فردا ذخیره نکنی.

امام صادق علیه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّكُمْ لَا تُصِيبُونَ مَا تُرِيدُونَ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تَشْتَهُونَ وَ لَا تَتَأَلَوْنَ مَا تَأْمَلُونَ
إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ^۲

تردید نکنید که بدون ترک هوای نفس به اهداف خود نمی رسید و بدون صبر در سختی ها به آرزوهای خود نمی رسید.

مقام صبر

^۱ تحف العقول، ۳۰۴

^۲ تحف العقول، ۳۰۵

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ «اصْبِرُوا عَلَى الدُّنْيَا؛ فَإِنَّمَا هِيَ سَاعَةٌ، فَمَا مَضَى مِنْهُ فَلَا تَجِدُ لَهُ الْمَاءَ وَ لَاسُرُورًا، وَ مَا لَمْ يَجِئْ فَلَا تَدْرِي مَا هُوَ، وَ إِنَّمَا هِيَ سَاعَتُكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا، فَاصْبِرْ فِيهَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ، وَ اصْبِرْ فِيهَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ»^١.

امام صادق علیه السلام: در دنیا صبور باشید. دنیا یک لحظه است. آنچه از آن گذشته است که رنج یا لذتی ندارد و آنچه که نیامده نیز که معلوم نیست چگونه خواهد بود. بنابراین دنیا تنها همین لحظه است که در آن قرار داری. در این لحظه بر طاعت الهی مقاومت کن و در این لحظه از معصیت الهی پرهیز کن.

امام باقر علیه السلام: إِنِّي لَأَصْبِرُ مِنْ غُلَامِي هَذَا وَ مِنْ أَهْلِي عَلَى مَا هُوَ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ إِنَّهُ مَنْ صَبَرَ نَالَ بِصَبْرِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ وَ دَرَجَةَ الشَّهِيدِ الَّذِي قَدْ ضُرِبَ بِسَيْفِهِ قُدَّامَ مُحَمَّدٍ ص.^٢

من در زندگی با این خادم و خانواده بر آنچه تلختر از زهر است صبر می‌کنم. هر کس صبر کند با صبر خود به درجهٔ روزه‌دار شب‌زنده‌دار می‌رسد و اجر شهیدی را دارد که با شمشیر خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دفاع کرده است.

امام صادق علیه السلام: نَحْنُ صَبْرٌ وَ شِيعَتُنَا أَصْبِرُ مِنَّا وَ ذَلِكَ أَنَا صَبْرُنَا عَلَى مَا نَعْلَمُ وَ صَبَرُوا هُمْ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ.^٣

^١ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ٤، ٢٧٠

^٢ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ١٩٨

ما صبر بسیاری داریم و شیعیان ما از ما صبورترند. دلیلش این است که ما بر آنچه می‌دانیم صبر می‌کنیم و شیعیان ما بر آنچه نمی‌دانند صبر می‌کنند.^۱

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَأَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكَ وَالذِّكْرُ ذِكْرَانِ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزًا.^۱

۱ مصیبت‌های ائمه اطهار و انبیاء الهی بیشتر در تبلیغ دین و هدایت مردم بود. در روایت است که پیامبر اکرم بعد از آنکه مشرکین خداوند متعال را تکذیب کردند فرمودند: بر جان و اهل و آبرویم صبر کردم اما در مورد خدایم دیگر صبر ندارم. (قَدْ صَبَرْتُ فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ عَرَضِي وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَى ذِكْرِ إِلَهِي) اما باز آیه نازل شد که «فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ» متن کامل این روایت که مقام صبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تمسک به آیات قرآن از امام صادق علیه السلام نقل شده است چنین است:

امام صادق علیه‌السلام: يَا حَفْصُ إِنَّ مِنْ صَبْرٍ صَبْرَ قَلِيلًا وَإِنَّ مِنْ جَزَعٍ جَزَعٌ قَلِيلًا ثُمَّ قَالَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَ فَامَرَهُ بِالصَّبْرِ وَالرَّقِّ فَقَالَ وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أَوْلِي النَّعْمَةِ وَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ادْفَعْ بِأَيْدِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ فَصَبِرَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى نَالُوهُ بِالْعَطَائِمِ وَ رَمَوْهُ بِهَا فَضَاقَ صَدْرُهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ - وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ثُمَّ كَذَّبُوهُ وَ رَمَوْهُ فَحَزِنَ لِذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لِيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ وَ لَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كَذَّبُوا وَ أَوْدُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا فَأَلْزَمَ النَّبِيُّ ص نَفْسَهُ الصَّبْرَ فَتَعَدَّوْا فَذَكَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ كَذَّبُوهُ فَقَالَ قَدْ صَبَرْتُ فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ عَرَضِي وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَى ذِكْرِ إِلَهِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ مَا مَسْنَا مِنْ لُغُوبٍ فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ فَصَبَرَ النَّبِيُّ ص فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ ثُمَّ بَشَّرَ فِي عَثْرَتِهِ بِالْأَيْمَةِ وَ وُصِفُوا بِالصَّبْرِ فَقَالَ جَلَّ تَنَاهُ وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوْقِنُونَ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ ص الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَشَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ لَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (الكافي، ج ۲، ص ۸۸)

صبر بر دو نوع است. صبر در مصیبت که خوب و زیباست و زیباتر از آن صبر بر آنچه‌ای است که خداوند متعال بر تو حرام کرده است. ذکر هم بر دو نوع است: ذکر خداوند متعال در هنگام مصیبت و برتر از آن یاد خداوند متعال در هنگام گناه است به گونه‌ای که مانع گناه شود.

قَالَ اميرالمؤمنين عليه السلام: مَنْ لَمْ يَنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ^۲

آنکه را صبر نجات ندهد، بی‌تابی هلاکش می‌کند.

أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قَالَ لِي مَا حَبَسَكَ عَنِ الْحَجِّ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَقَعَ عَلَيَّ دَيْنٌ كَثِيرٌ وَ ذَهَبَ مَالِي وَ دِينِي الَّذِي قَدْ لَزِمَنِي هُوَ أَعْظَمُ مِنْ ذَهَابِ مَالِي فَلَوْ لَا أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا أَخْرَجَنِي مَا قَدَرْتُ أَنْ أَخْرُجَ فَقَالَ لِي إِنْ تَصَبَّرْتَ تَغْتَبَطُ وَإِلَّا تَصَبَّرَ يُنْفِذِ اللَّهُ مَقَادِيرَهُ رَاضِيًا كُنْتَ أَمْ كَارِهًا.^۳

امام رضا علیه‌السلام خطاب به فردی که قرض بسیار داشت و ورشکست شده بود فرمودند: اگر صبر کنی در نهایت مورد غبطه قرار می‌گیری و اگر صبر نکنی، راضی باشی یا ناراضی، تقدیر الهی جاری می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام: يَا فَضِيلَ بْنَ يَسَارٍ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ أَصْبَحَ لَهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ كَانَ ذَلِكَ خَيْرًا لَهُ وَلَوْ أَصْبَحَ مُقَطَّعًا أَعْضَاؤُهُ كَانَ ذَلِكَ خَيْرًا لَهُ يَا فَضِيلَ بْنَ يَسَارٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَفْعَلُ بِالْمُؤْمِنِ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ يَا

^۱ الكافي، ج ۲، ۹۰

^۲ نهج البلاغة، ۵۰۲

^۳ الكافي، ج ۲، ۹۰

فُضَيْلُ بْنُ يَسَارٍ لَوْ عَدَلَتْ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى عَدُوَّهُ مِنْهَا شَرْبَةً مَاءٍ يَا فَضَيْلُ بْنُ يَسَارٍ إِنَّهُ مَنْ كَانَ هَمُّهُ هَمًّا وَاحِدًا كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ وَمَنْ كَانَ هَمُّهُ فِي كُلِّ وَادٍ لَمْ يُبَالِ اللَّهُ بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ.^۱

ای فضیل اگر مومن صاحب همه زمین باشد برایش خیر است و اگر هم همه اعضای او قطع شود باز برایش خیر است. ای فضیل خدا فقط برای مومن فقط خیر مقدر می‌کند. ای فضیل اگر دنیا نزد خداوند به اندازه بال مگسی ارزش داشت جرعه‌ای از آن را به دشمن خود نمی‌داد. ای فضیل کسی که همتش خدای واحد باشد خدا برای همت او کافی است. اما کسی که دلی همه‌جایی داشته باشد برای خداوند مهم نیست که در کدام وادی هلاک شود.

امام صادق علیه‌السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ وَلِيَّهُ فِي الدُّنْيَا غَرَضًا لِعَدُوِّهِ.^۲

خداوند عزوجل دوست خود را هدف حمله دشمن خود قرار می‌دهد.

امام صادق علیه‌السلام: مَا أَقَلَّتِ الْمُؤْمِنُ^۳ مِنْ وَاحِدَةٍ مِنْ ثَلَاثٍ وَ لَرُبَّمَا اجْتَمَعَتِ الثَّلَاثُ عَلَيْهِ إِمَّا بَغْضٍ مِنْ يَكُونُ مَعَهُ فِي الدَّارِ يُغْلِقُ عَلَيْهِ بَابَهُ يُؤْذِيهِ أَوْ جَارٍ يُؤْذِيهِ أَوْ مَنْ فِي طَرِيقِهِ إِلَى حَوَائِجِهِ يُؤْذِيهِ وَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا عَلَى قَلَّةٍ جَبَلَ لَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ شَيْطَانًا يُؤْذِيهِ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مِنْ إِيْمَانِهِ أُنْسًا لَا يَسْتَوْحِشُ مَعَهُ إِلَى أَحَدٍ.^۴

مومن از یکی از این سه در امان نیست و گاه گرفتار هر سه است. یا در خانه دشمنی دارد که در را بر او می‌بندد و او را آزار می‌دهد. یا همسایه‌اش آزارش می‌دهد. یا کسی که باید نیازهایش را برطرف کند او را

^۱ الکافی، ج ۲، ۲۴۶

^۲ الکافی، ج ۲، ۲۵۰

^۳ ای ما تخلص.

^۴ الکافی، ج ۲، ۲۵۰

آزار می دهد. اگر مؤمن به قله کوهی هم پناه ببرد خداوند عزوجل شیطانی را می فرستد تا او را آزار دهد. اما خدا ایمان مومن را انیسی قرار می دهد که با کمک آن از هیچ کس وحشت ندارد.^۱

امام صادق علیه السلام: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ».^۲

شدیدترین بلاها برای انبیا است. سپس برای کسانی که به آنها نزدیک هستند و هر که به آنها نزدیکتر باشد بلایش بیشتر است.

امام صادق علیه السلام خطاب به سدید: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا، وَإِنَّا وَ إِيَّاكُمْ يَا سَدِيرُ، لَنُصَبِحُ بِهِ وَ نُمْسِي».^۳

خداوند وقتی بنده ای را دوست داشته باشد او را در بلا غرق می کند. ای سدید من و شما شیعیان صبح و شام در بلا غرقیم.

امام باقر علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ بِالْهَدْيَةِ مِنَ الْغَيْبَةِ وَ يَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ.^۴

۱. این دست از روایات مومن را آماده تحمل سختی ها می کند و زمینه صبر و شکر و رضا را فراهم می کنند. سلطه شیاطین و کفار بر مؤمن حکمتهایی دارد: کفاره گناه اوست، او را به درجه صابرين می رساند، باعث زهد و قطع دلبستگی هاست. خروج از دنیا را آسان می کند. زمینه توسل و دعا را فراهم می کند و باعث غربت در بین مردم و انس با خداوند است. مرآة العقول ج ۲، ۲۲۲.

۲ الكافي (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ۶۳۳

۳ الكافي (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ۶۳۵

۴ الكافي، ج ۲، ۲۵۵

همان گونه که مسافر از خانواده خود با هدیه از راه دور دلجویی می‌کند، خداوند عزوجل نیز از مؤمن با بلا دلجویی می‌کند و او را از دنیا پرهیز می‌دهد همان گونه که طبیب مریض را پرهیز می‌دهد.

امام صادق علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مُكْفَرًا^۱ وَ ذَلِكَ أَنَّ مَعْرُوفَهُ يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَلَا يَنْتَشِرُ فِي النَّاسِ وَ الْكَافِرَ مَشْهُورًا^۲ وَ ذَلِكَ أَنَّ مَعْرُوفَهُ لِلنَّاسِ يَنْتَشِرُ فِي النَّاسِ وَ لَا يَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ^۳

مومن ناسپاسی می‌شود و مردم از زحمات او قدردانی نمی‌کنند. چون کار خیر او به آسمان می‌رود و بین مردم پخش نمی‌شود. اما کافر شناخته شده است و مردم از زحمات او قدردانی می‌کنند. چون کار خیر او برای مردم است، بین مردم پخش می‌شود و به آسمان نمی‌رود.

رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ فَإِنْ صَبَرَ اجْتَبَاهُ وَ إِنْ رَضِيَ اصْطَفَاهُ^۴.

وقتی خداوند بنده‌ای را دوست دارد او را گرفتار می‌کند. پس اگر صبر کرد او را بر می‌گزیند و اگر راضی بود او را به مقام اصفیاء می‌رساند.

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَخَلَّقْ بِأَخْلَاقِي إِنِّي أَنَا الصَّبُورُ وَ الصَّابِرُ إِنْ مَاتَ مَعَ الصَّبْرِ مَاتَ شَهِيدًا وَ إِنْ عَاشَ عَاشَ عَزِيزًا وَ اعْلَمُوا أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى الْمَطْلُوبِ عُنْوَانُ الطَّفْرِ وَ الصَّبْرَ عَلَى الْمِحْنِ عُنْوَانُ الْفَرَجِ^۵

^۱ الْمُكْفَرُ ضِدٌّ لِلْمَشْكُورِ

^۲ در بعضی از روایات عبارت والکافر مشكور آمده است. علل الشرائع، ص ۵۶۰، ح ۳

^۳ علل الشرائع، ج ۲، ۵۶۰

^۴ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ۱۴۲

^۵ إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي)، ج ۱، ۱۲۷

خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد که اخلاق من را داشته باش.^۱ من صبر زیادی دارم.^۲ صابر اگر با صبر خود بمیرد اجر شهید را دارد و اگر زندگی کند در زندگی عزت دارد. بدانید که صبر بر هدف خود عامل پیروزی است و صبر بر سختی‌ها عامل فرج است.

امام صادق علیه السلام: نِعَمَ الْجُرْعَةِ الْغَيْظُ لِمَنْ صَبَرَ عَلَيْهَا فَإِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لِمَنْ عَظِيمَ الْبَلَاءِ وَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ.^۳

خشم برای کسی که بر آن صبر کند جرعه گوارایی است. بلای بیشتر اجر بیشتر دارد. خداوند هر قومی را که دوست دارد، گرفتار می‌کند.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: مَا يَزَالُ الْهَمُّ وَ الْغَمُّ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّىٰ مَا يَدْعُ لَهُ ذَنْبًا.^۴

رنج و غم همیشه با مومن است تا همه گناهان او را از بین ببرد.

^۱ در قرآن کریم نیز به اخلاق الهی سفارش شده است. به عنوان نمونه امر شده که انسان احسان کند هما نگونه که خداوند به او احسان می‌کند. «احسن كما احسن الله اليك» همچنین سفارش شده که زندگی رنگی خدایی بیابد. صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً. در آیه مبارکه «ان الله و ملائكته يصلون على النبي» نیز امر شده است که مومنین نیز مانند خداوند و ملائکه او بر پیامبر اکرم سلام و درود بفرستند. اللهم صل على محمد و آل محمد.

^۲ حضرت ایوب این درخواست خداوند را به خوبی پاسخ داد. إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (ص. ۴۴)

^۳ الکافی، ج ۲، ۱۰۹

^۴ الکافی، ج ۲، ۴۴۵

امام صادق علیه السلام: إِنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا يَا ابْنَ آدَمَ اذْكُرْنِي حِينَ تَغْضَبُ اذْكُرْكَ عِنْدَ غَضَبِي فَلَا اُحَقِّقَ فِيمَنْ اُحَقُّوَ وَاِذَا ظَلِمْتَ بِمَظْلَمَةٍ فَارْضَ بِاِنتِصَارِي لَكَ فَاِنَّ اِنتِصَارِي لَكَ خَيْرٌ مِنْ اِنتِصَارِكَ لِنَفْسِكَ.^۱

در تورات است که ای فرزند آدم مرا در هنگام خشم به یاد آور تا هنگام خشم بر گنهکاران به یاد تو باشم و تو را همراه آنها عذاب نکنم. اگر به تو ظلم شد به یاری من رضایت بده؛ چون کمک من به تو بهتر از انتقامی است که تو می‌گیری.

مقام بندگی و آزادگی

امام صادق علیه السلام: إِنَّ الْحُرَّ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ اَحْوَالِهِ اِنْ نَابَتْهُ نَائِبَةٌ صَبَرَ لَهَا وَ اِنْ تَدَاكَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ لَمْ تَكْسِرْهُ وَ اِنْ اُسِرَ وَ قَهَرَ وَ اسْتَبْدَلَ بِالْيَسْرِ عُسْرًا كَمَا كَانَ يُوْسُفُ الصِّدِّيقُ الْاَمِينُ ص لَمْ يَضُرُّ حَرِيْتَهُ اَنْ اسْتَعْبَدَ وَ قَهَرَ وَ اُسِرَ وَ لَمْ تَضُرَّهُ ظُلْمَةُ الْجَبِّ وَ وَحْشَتُهُ وَ مَا نَالَهُ اَنْ مَنَّ اللهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَ الْجَبَّارَ الْعَاتِيَّ لَهُ عَبْدًا بَعْدَ اِذْ كَانَ لَهُ مَالِكًا فَارْسَلَهُ وَ رَحِمَ بِهِ اُمَّةً وَ كَذَلِكَ الصَّبْرُ يُعْقِبُ خَيْرًا فَاصْبِرُوا وَ وَطِنُوا اَنْفُسَكُمْ عَلَى الصَّبْرِ تَوَجَرُوا.^۲

آزادمرد در هر حالی آزاد است. اگر سختی به او برسد صبر می‌کند و اگر مصیبت‌ها به او هجوم بیاورند نمی‌شکند و اگر چه اسیر شود و شکست بخورد و سختی جای عاقبت را بگیرد همان‌گونه که یوسف صدیق امین بردگی و گرفتاری و اسارت آزادگی را از او نگرفت و تاریکی چاه و وحشت آن و مصیبت‌هایی که کشید به او زیانی نزد و خداوند بر او منت نهاد و جباری را که صاحب او بود و بر او ظلم می‌کرد، برده

^۱ الکافی، ج ۲، ۳۰۴

^۲ الکافی، ج ۲، ۸۹

او کرد و او را رسالت بخشید و به واسطه او به امتی رحم کرد. و صبر اینگونه است که خیر به دنبال دارد پس صبر کنید و نفس خود را به صبر کردن وادارید تا پاداش بگیرید.^۱

امام صادق علیه السلام: مَا نَقَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدًا مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى إِلَّا أَغْنَاهُ مِنْ غَيْرِ مَالٍ وَ أَعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ وَ أَنَسَهُ مِنْ غَيْرِ بَشَرٍ.^۲

خداوند عز و جل بنده‌ای را از ذلت گناهان به عزت تقوی وارد نمی‌کند مگر آنکه او را غنی می‌کند اما نه با مال و عزیز می‌کند اما نه با قوم و خویش و او را از تنهایی بیرون می‌برد اما نه به واسطه انسانی دیگر.

امام باقر علیه السلام: مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُوْدَةٍ الْقَزِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْقَزِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفَأَ كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا^۳

حریص در دنیا مانند کرم ابریشم است که هر چه تار بیشتری دور خود می‌تند امکان رهایی او کمتر می‌شود. تا آنکه از غصه هلاک می‌شود.

^۱ . در این روایت سفارش شده که نفس خود را به صبر کردن وادار کنید. در روایت دیگر نیز سفارش شده که حتی اگر حلم ندارید رفتار حلیمان را در پیش بگیرید:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَفَى بِالْحِلْمِ نَاصِرًا». وَقَالَ: «إِذَا لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا، فَتَحَلَّمْ». الكافي (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ۲۹۱.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید حلم برای پیروزی کافی است. اگر حلیم نیستی خود را به حلم وادار کن.

^۲ الكافي، ج ۲، ۷۶

^۳ الكافي، ج ۲، ۳۱۶

امام صادق علیه السلام: أَعْنَى الْغِنَى مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِرْصِ أُسِيرًا^۱
کسی که اسیر حرص نیست، بی نیازترین مردم است.

امیر المومنین علیه السلام: التَّقَلُّلُ وَ لَا التَّدَلُّلُ^۲

با اندک بسازید و خود را ذلیل نکنید.

امیر المومنین علیه السلام: مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرًّا^۳

کسی که هواهای نفسانی را ترک کند به آزادی می رسد.

امام صادق علیه السلام: إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ
هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.^۴

بندگان سه دسته اند. دسته ای خداوند عزوجل را از ترس می پرستند که این عبادت بردگان است. گروهی
نیز خداوند تبارک و تعالی را به امید ثواب می پرستند که این عبادت اجیرشدگان است. و گروهی نیز
خداوند عزوجل را از روی محبت می پرستند که این عبادت آزادگان است و این بهترین عبادت است.

۱ الکافی، ج ۲، ۳۱۶

۲ غرر الحکم و درر الکلم، ۳۱

۳ تحف العقول، ۸۹

۴ الکافی، ج ۲، ۸۴

امام باقر علیه السلام: لَا تُشْعِرُوا قُلُوبَكُمْ الْأَشْتِعَالَ بِمَا قَدْ فَاتَ فَتَشْغَلُوا أَدْهَانَكُمْ عَنِ الْأَسْتِعْدَادِ لِمَا لَمْ يَأْتِ.^۱
فکر خود را مشغول آنچه از دست داده‌اید نکنید تا ذهن شما از رسیدن به آنچه در پیش است باز نماند.

امام باقر علیه السلام: بئس العبد عبد له طمع يقوده و بئس العبد عبد له رغبة تذهله.^۲

بنده‌ای که طمعی دارد که او را خوار می‌کند بنده خوبی نیست. و آنکه تمایلی دارد که او را ذلیل می‌کند بد بنده‌ای است.^۳

امیرالمومنین علیه السلام: أزرى بنفسه من استشعر الطمع و رضى بالذل من كشف عن ضره و هانت عليه نفسه من أمر عليها لسانه.^۴

آنکه طمع ورزد خود را خوار کرده است و آنکه مشکل خود را بیان کند به ذلت رضایت داده است و کسی که زبانش بر او حکومت کند شخصیت خود را پایمال کرده است.

امیرالمومنین علیه السلام: احذر كل عمل إذا سئل عنه عامله استحي منه و أنكره.^۱

^۱ الكافي، ج ۲، ۳۱۶

^۲ الكافي، ج ۲، ۳۲۰

^۳ امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: چقدر بد است مومن تمایلی داشته باشد که او را ذلیل کند. ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبة تذهله. الكافي، ج ۲، ۳۲۰

^۴ نهج البلاغه، ۴۶۹

از هر کاری که اگر از تو سؤال شود شرم کنی و انکار کنی پرهیز کن.

أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَأَلْتَكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَلَا تَكُنْ
عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا^۲

خودت را از هر کار پستی برتر بدان، هر چند تو را به خواسته‌هایت برساند. چون برابر آنچه از وجود خودت مایه می‌گذاری، چیزی دریافت نمی‌کنی. بردگی دیگری را نکن که خداوند تو را آزاد آفریده است.

امیرالمومنین علیه‌السلام: شَتَّانَ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ عَمَلٍ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَتَبْقَى تَبِعَتُهُ وَعَمَلٍ تَذْهَبُ مَثُونَتُهُ وَبِئْسَ
أَجْرُهُ^۳

چه قدر بین دو عمل فاصله زیادی است: عملی که لذت آن می‌رود و کیفی آن می‌ماند و عملی که سختی آن می‌رود و پاداش آن می‌ماند.

امیرالمومنین علیه‌السلام إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَكُونَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ ذُو نِعْمَةٍ فافعل فَإِنَّكَ مُدْرِكٌ قَسْمِكَ وَآخِذٌ
سَهْمِكَ وَإِنَّ الْبَيْسِيرَ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْظَمُ وَأَكْرَمُ مِنَ الْكَثِيرِ مِنْ خَلْقِهِ وَإِنْ كَانَ كُلُّ مَنْهُ^۴

^۱ عیون الحکم و المواعظ (للثیثی)، ۱۰۴

^۲ نهج البلاغه، ۴۰۱

^۳ نهج البلاغه، ۴۹۰

^۴ نهج البلاغه، ۴۰۲.

اگر می‌توانی که بین خودت و خداوند صاحب نعمتی نباشد چنین باش. چون تو به سهم خودت از دنیا خواهی رسید و اندکی که از جانب خداوند سبحانه باشد، بسیار بیشتر و ارزشمندتر است از زیادی که از دست خلق خدا به تو برسد. گر چه همه چیز از جانب خداوند است.

امیرالمومنین علیه‌السلام: أُرْزِيَ بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ وَ رَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ ضُرِّهِ وَ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مِنْ أَمْرِ عَلَيْهَا لِسَانُهُ^۱

کسی که اسیر طمع است خود را خوار کرده است و کسی که مشکلات خود را بیان کند خود را ذلیل کرده است و کسی که زبان را بر خود مسلط کند خود را تحقیر کرده است.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله: أن الله يبيغض الصحيح الفارغ لا في شغل الدنيا و لا في شغل الآخرة^۲

انسان سالم و بیکاری که به کار دنیا یا آخرت مشغول نیست، مبعوض خداوند است.

امیرالمومنین علیه‌السلام: كَانَ لِي فِيمَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ وَ كَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَ كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ فَلَا يَشْتَهِي مَا لَا يَجِدُ وَ لَا يَكْتُرُ إِذَا وَجَدَ وَ كَانَ أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَامِتاً فَإِنْ قَالَ بَدَّ الْقَائِلِينَ وَ تَقَعَ غَلِيلَ السَّائِلِينَ وَ كَانَ ضَعِيفاً مُسْتَضْعَفاً فَإِنْ جَاءَ الْجَدُّ فَهُوَ لَيْثٌ غَابَ [لَيْثٌ عَادٍ] وَ صَلَّى وَادٍ ... فَعَلَيْكُمْ بِهِذِهِ الْخَلَائِقِ فَالزَّمُواهَا وَ تَنَافَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَاعَلَمُوا أَنَّ أَخْذَ الْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ^۳

^۱ نهج البلاغة ، ۴۶۹

^۲ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱۷، ۱۴۶

^۳ نهج البلاغة ، ۵۲۶

زمانی رفیقی خدایی داشتم. به این دلیل در چشم من بزرگ بود که دنیا در چشم او ناچیز بود. اسیر غرایز خود نبود. آنچه را نداشت هوس نمی‌کرد و در آنچه داشت زیاده‌روی نمی‌کرد. بیشتر عمر خود ساکت بود. اما اگر لب به سخن می‌گشود بر سخنوران پیروز می‌شد و تشنگی سؤال‌کنندگان را سیراب می‌کرد. ضعیف و مستضعف بود. اما در میدان عمل شیر بیشه و افعی کویر بود ... این گونه باشید و با این اوصاف همراه شوید و در کسب این اوصاف بر یکدیگر پیشی گیرید. اگر نمی‌توانید بدانید که داشتن برخی از این اوصاف بهتر از ترک همه آنهاست.

امام صادق علیه‌السلام: **طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِلَابٌ^۱ لِلْعِزِّ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ وَ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ^۲**

رجوع به دیگران برای رفع نیازها، عزت و حیای انسان را از بین می‌برد.^۳ یأس از آنچه در دست دیگران است باعث عزت مؤمن است.

امام صادق علیه‌السلام: **مَا مِنْ أَحَدٍ يَتِيهِ إِلَّا مِنْ ذَلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ^۴**

^۱ ای بصیر سببا لسلب العز سریعاً.

^۲ الکافی، ج ۲، ۱۴۸

^۳ حرص و آز باعث می‌شود که انسان از ترس ذلت آینده به استقبال ذلت بشتابد و طمع باعث می‌شود انسان از ترس فقر آینده از همین الان فقیرانه زندگی کند. طمع فقر زمان حاضر است:

الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ (الکافی، ج ۲، ۱۴۹)

^۴ الکافی، ج ۲، ۳۱۲

در حدیثی دیگر تکبر و ظلم نیز ناشی از احساس ذلت درونی دانسته شده است: امام صادق علیه‌السلام: **مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لَذَلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ.** (الکافی، ج ۲، ۳۱۲)

آنکه لاف می‌زند به دلیل احساس حقارتی است که در درون دارد.

امیرالمومنین علیه‌السلام: اتَّقِ الْمُرْتَقَى السَّهْلَ إِذَا كَانَ مُنْحَدِرُهُ وَعَرًّا^۱

از نردبانی که بالا رفتن از آن آسان و پایین آمدن از آن دشوار است پرهیز کنید.^۲

امام صادق علیه‌السلام: مَا ضَعَفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتُمْ عَلَيْهِ النَّيَّةُ^۳.

بدن در کاری که اراده‌ای قوی برای انجام آن باشد، کم نمی‌آورد.

امام صادق علیه‌السلام: مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ^۴.

آنکه اخلاق بدی دارد خودش را عذاب می‌دهد.

امام سجاد علیه‌السلام: كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يُبْصِرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ^۱

^۱ الکافی، ج ۲، ۳۳۶

^۲ بیشتر رذایل نفسانی و عادات شیطانی به آرامی در نفس ریشه می‌دوانند و بعد از آن که تثبیت شدند رهایی از آنها مشکل است. در ادامه حدیث است که حضرت سفارش می‌فرمودند که نفس را رها نکنید و درمان نفس در ترک خواسته‌های آن است. امام صادق علیه‌السلام: لَا تَدْعُ النَّفْسَ وَهَوَاهَا - فَإِنَّ هَوَاهَا فِي رَدَاهَا وَ تَرَكَ النَّفْسَ وَ مَا تَهْوَى أَذَاهَا وَ كَفَّ النَّفْسَ عَمَّا تَهْوَى دَوَاهَا.

^۳ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ۲۰۵

^۴ الکافی، ج ۲، ۳۲۱

عیبی از این بدتر نیست که توجه به عیوب دیگران انسان را از دیدن عیوب خود غافل کند.^۲

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ كَانَ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ أُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَأَلْتَهُمْ لَهَا وَرَجُلٌ لَمْ يَقْدَمْ رَجُلًا حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ لِلَّهِ رِضَى ... وَرَجُلٌ لَمْ يَعِْبْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بَعِيْبٍ حَتَّى يَنْفَى ذَلِكَ الْعَيْبَ عَن نَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَا يَنْتَفِي عَنْهُ عَيْبٌ إِلَّا بَدَأَ لَهُ عَيْبٌ وَكَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ.^۳

سه وصف است که هر کس یکی از آنها را داشته باشد در روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی عرش الهی نیست، در سایه‌ی عرش الهی است. کسی که ببخشد آنچه را خود به آن نیازمند است. کسی که قدمی بردارد مگر آنکه بداند رضای خدا در آن است ... و کسی که عیبی را به دیگران نسبت ندهد مگر آنکه خودش آن عیب را نداشته باشد. و هر عیبی را که از خود برطرف کند هنوز عیبی دیگر وجود دارد و عیبهای خود انسان مانع توجه به عیبهای دیگران است.

قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ بَالَغَ فِي الْخُصُومَةِ أَثِمَ وَ مَنْ قَصَرَ فِيهَا ظَلِمَ^۴

کسی که در دشمنی زیاده‌روی کند ظلم کرده است و کسی که در دشمنی کوتاهی کند به او ظلم می‌کند.

^۱ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ۲۸۳

^۲ حضرت عیسی علیه السلام به یاران خود می‌فرمود: بندگان خوبی نیستید که مردم را بر کار بدی که گمان می‌کنید انجام داده‌اند ملامت می‌کنید و خود را بر کار بدی که یقین دارید انجام داده‌اید ملامت نمی‌کنید. يَا عِبَادَ السَّوِّءِ تَلُومُونَ النَّاسَ عَلَى الظَّنِّ وَ لَا تَلُومُونَ أَنْفُسَكُمْ عَلَى اليَقِينِ (تحف العقول، ۵۰۱)

^۳ المحاسن، ج ۱، ۵

^۴ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۵، ۱۳

قَالَ امِير المومنين عليه السلام: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ^١ إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا^٢

کسی که برای خود ارزش قائل باشد خواسته‌های نفس برای او بی‌ارزش می‌شوند. قیمت شما کمتر از بهشت نیست پس خود را به کمتر از بهشت نفروشید.

یاد مرگ

اميرالمومنين عليه السلام: أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكَبٍ يُسَارُ بِهِمْ وَ هُمْ نِيَامٌ^٣

اهل دنیا سوارانی هستند که آنها را به پیش می‌برند و با این حال آنها در خوابند.

اميرالمومنين عليه السلام: نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاهُ إِلَى أَجَلِهِ^٤

انسان هر نفسی که می‌کشد یک گام به مرگ نزدیک می‌شود.

أمير المؤمنین عليه السلام: النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا.^١

^١ در روایتی دیگر حضرت می‌فرماید آنکه برای خود ارزش قائل باشد برای دنیا ارزشی قائل نمی‌شود. امیرالمومنین علیه السلام: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا. تحف العقول، ٢٧٨

^٢ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٧٥، ١٣

^٣ نهج البلاغة، ٤٧٩

^٤ نهج البلاغة، ٤٨٠

مردم خوابند و با مرگ بیدار می شوند.^۲

امیرالمومنین علیه السلام: لَا تَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ فَخْرَهَا وَ لَا تَعْجَبُوا بِزِينَتِهَا وَ نَعِيمِهَا وَ لَا تَجْزَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَ بُؤْسِهَا فَإِنَّ عِزَّهَا وَ فَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ وَ إِنَّ زِينَتَهَا وَ نَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ وَ ضَرَاءُهَا وَ بُؤْسُهَا إِلَى نَفَادٍ وَ كُلُّ مِدَّةٍ فِيهَا إِلَى انْتِهَاءٍ وَ كُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى فَنَاءٍ أَوْ لَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ مُزْدَجْرٌ وَ فِي آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ تَبَصُّرَةٌ وَ مُعْتَبَرٌ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ أَوْ لَمْ تَرَوْا إِلَى الْمَاضِينَ مِنْكُمْ لَا يَرْجِعُونَ وَ إِلَى الْخَلْفِ الْبَاقِينَ لَا يَقُونَ أَوْ لَسْتُمْ تَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُصْبِحُونَ وَ يُمَسُونَ عَلَى أَحْوَالٍ شَتَّى فَمَيْتٌ يُبْكِي وَ آخِرٌ يُعْزَى وَ صَرِيحٌ مُبْتَلَى وَ عَائِدٌ يُّعُودُ وَ آخِرٌ بِنَفْسِهِ يَجُودُ وَ طَالِبٌ لِلدُّنْيَا وَ الْمَوْتُ يُطْلِبُهُ وَ غَافِلٌ وَ لَيْسَ بِمَعْقُولٍ عَنْهُ وَ عَلَى أَثَرِ الْمَاضِي مَا يَمْضِي الْبَاقِي أَلَّا فَادُكُرُوا هَازِمِ اللَّذَاتِ وَ مُنْغَصِ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعِ الْأُمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمَسَاوِرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ وَ اسْتَعِينُوا اللَّهَ عَلَى آدَاءِ وَاجِبِ حَقِّهِ^۳

در عزت و فخر دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید. مبدا با زینتها و نعمتهای دنیا فریفته شوید. از رنج و سختی دنیا نالان نباشید. عزت و فخر آن رو به پایان است. زینتها و نعمتهای آن رو به زوال است. رنج و سختی آن نیز رو به پایان است. هر عمری در دنیا به پایان می رسد و هر زنده ای در دنیا رو به فنا است. آیا آثاری که از گذشتگان مانده شما را از دنیا پرستی باز نمی دارد؟ آیا اگر تعقل کنید از پدرانتان عبرت نمی گیرید؟

مگر نمی بینید که گذشتگان بر نمی گردند و فرزندان آنها نیز که مانده اند ماندنی نیستند. آیا اهل دنیا را نمی بینید که در بامداد و شب حال و روزشان یکسان نیست: یکی می میرد و بر او می گیرند. یکی مصیبت

۱ خصائص الأئمة عليهم السلام ، ص ۱۱۲

۲ در آیات قرآن کریم است که پس از مرگ به انسان گفته می شود تو در غفلت بودی و اکنون پرده کنار رفته است و تو چشم نافذی یافته ای: لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (ق. ۲۲)

۳. نهج البلاغة ، ۱۴۴.

می‌بیند و تسلیت می‌شنود. یکی بیمار است و از او عیادت می‌شود و یکی جان می‌کند. یکی به دنبال دنیاست و مرگ او را می‌جوید. یکی غافل است و مرگ از او غافل نیست. آیندگان نیز به دنبال گذشتگان می‌روند.

پس هنگام اقدام بر گناه مرگ را به یادآورید که لذتها را نابود می‌کند و شهوتها را در هم می‌شکند و آرزوها را قطع می‌کند و از خداوند در انجام واجبات کمک بخواهید.

امیر المومنین علیه السلام: بَادِرُوا الْمَوْتَ وَ غَمَّرَاتِهِ وَ امْهَدُوا لَهُ قَبْلَ حُلُولِهِ وَ اَعِدُّوا لَهُ قَبْلَ نُزُولِهِ فَإِنَّ الْغَايَةَ الْقِيَامَةَ وَ كَفَى بِذَلِكَ وَاعِظًا لِمَنْ عَقَلَ ... مَا تَعْلَمُونَ مِنْ ضَيْقِ الْأَرْمَاسِ وَ شِدَّةِ الْإِبْلَاسِ وَ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ رَوْعَاتِ الْفَزَعِ وَ اخْتِلَافِ الْأَضْلَاعِ وَ اسْتِكَاكِ الْأَسْمَاعِ وَ ظُلْمَةِ اللَّحْدِ وَ خِيفَةِ الْوَعْدِ وَ غَمِّ الضَّرِيحِ وَ رَدْمِ الصَّفِيحِ فَاللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ^۱

پیش از رسیدن مرگ خود را برای پیش‌آمدهای آن آماده کنید و آماده مرگ باشید پیش از رسیدن آن که به سوی قیامت می‌روید و همین برای موعظه کسی که تعقل کند کافی است. ... چه می‌دانید از تنگی قبرها و شدت اندوه و ترس از قیامت و شکسته شدن استخوانها و کر شدن گوشها و تاریکی درون قبر و پوشانده شدن آن با سنگ و خاک. پس خدا را خدا را ای بندگان خدا.

□ امیر المومنین علیه السلام: اعْلَمْ يَا بَنِيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ وَ أَنَّكَ فِي [مَنْزِلِ] قَلْعَةٍ وَ دَارِ بُلْعَةٍ وَ طَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّكَ طَرِيدُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ وَ لَا يَفُوتُهُ طَالِبُهُ وَ لَا بُدَّ أَنَّهُ مُدْرِكُهُ فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرٍ أَنْ يُدْرِكَكَ وَ أَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيِّئَةٍ قَدْ كُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالتَّوْبَةِ فَيَحُولُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ ذَلِكَ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ

^۱. نهج البلاغه، ص ۱۴۴-۱۴۶

يَا بُنَيَّ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ وَ تَفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ^۱

و بدان که برای آخرت خلق شده‌ای نه برای دنیا. و برای رفتن از دنیا نه ماندن در آن و برای مرگ نه زندگی در دنیا. بدان که تو در بین راه و منزلگاه موقتی هستی که راهی به سوی آخرت است. تو شکار مرگی هستی که هیچ کس نمی‌تواند از آن فرار کند و به ناچار گرفتارش خواهی شد. پس از مرگ بترس. مبدا زمانی گرفتارش شوی که در حال گناه باشی. به خود وعده توبه داده‌ای اما مرگ مانع توبه شود که در این صورت خود را هلاک کرده‌ای. پس فراوان به یاد مرگ باش و یاد جایی که به سوی آن می‌روی و مکانی پس از مرگ در آن قرار می‌گیری.

امیرالمومنین علیه‌السلام: وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ مَنْ كَانَتْ مَطِيئَتُهُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ فَإِنَّهُ يُسَارُ بِهِ وَ إِنْ كَانَ وَاقِفًا وَ يَقْطَعُ الْمَسَافَةَ وَ إِنْ كَانَ مُقِيمًا وَ ادْعَاً وَ اعْلَمْ يَقِينًا أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ وَ لَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ وَ أَنَّكَ فِي سَبِيلٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ فَخَفَّضُ فِي الطَّلَبِ^۲

آن کس که بر مرکب زمان سوار است همیشه در حرکت است هر چند در مکانی ساکن باشد و مدام راه می‌پیماید هر چند در جای خود آسوده ایستاده باشد. مطمئن باش که به آرزوی خود نمی‌رسی و بر مرگ پیروز نمی‌شوی. در همان مسیری قرار داری که گذشتگان در آن مسیر بودند. پس در طلب دنیا آرام باش.

امیرالمومنین علیه‌السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَرَى أَنَّهُ يَنْقُصُ كُلَّ يَوْمٍ فِي نَفْسِهِ وَ عُمُرِهِ وَ هُوَ لَا يَتَأَهَّبُ لِلْمَوْتِ^۳.

در شگفتی از آنکه هر روز از وجودش و عمرش کاسته می‌شود و آماده مرگ نمی‌شود.

^۱ نهج البلاغه، ص: ۴۰۰

^۲ نهج البلاغه، ۴۰۱

^۳ غرر الحکم و درر الکلم، ۴۵۹

أَنْتُمْ طُرْدَاءُ الْمَوْتِ إِنْ أَقَمْتُمْ لَهُ أَخَذَكُمْ وَإِنْ فَرَرْتُمْ مِنْهُ أَدْرَكَكُمْ وَهُوَ الزَّمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ الْمَوْتُ مَعْقُودٌ
بِنَوَاصِيكُمْ وَالْدُنْيَا تُطْوَى مِنْ خَلْفِكُمْ فَاحْذَرُوا نَارًا قَعْرَهَا بَعِيدٌ وَحَرُّهَا شَدِيدٌ وَعَذَابُهَا جَدِيدٌ^۱

شما شکار مرگی هستید که اگر توقف کنید شما را می‌گیرد و اگر فرار کنید به شما می‌رسد. مرگ از سایه شما به شما نزدیکتر است. مهر مرگ بر پیشانی شماست. دنیا پشت سر شما رو به پایان و در حال درهم پیچیده شدن است. پس بترسید از آتشی که ژرفای آن زیاد و حرارت آن شدید و عذاب آن در حال نوبه نو شدن است.

عَبَادَ اللَّهِ الْآنَ فَاعْلَمُوا وَاللَّسُنُ مُطْلَقَةٌ وَالْأَبْدَانُ صَحِيحَةٌ وَالْأَعْضَاءُ لَدَنَةٌ وَالْمُنْقَلَبُ فَسِيحٌ وَالْمَجَالُ عَرِيضٌ
قَبْلَ إِرْهَاقِ الْفُوتِ وَحُلُولِ الْمَوْتِ^۲

بندگان خدا اکنون عمل کنید که زبانها آزاد و بدنها سالم و اعضا و جوارح آماده‌اند و راه بازگشت فراهم و فرصت زیاد است؛ پیش از آنکه فرصت تمام شود و مرگ فرارسد.

تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ وَأَقْلُوا الْعُرْجَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَأَنْقَلِبُوا بِصَالِحٍ مَا بَحَضَرَتْكُمْ مِنَ الزَّادِ
فَإِنَّ أَمَامَكُمْ عَقِبَةً كَثُودًا وَمَنَازِلَ مَخُوفَةً مَهُولَةً لَا بُدَّ مِنَ الْوُرُودِ عَلَيْهَا وَالْوُقُوفِ عِنْدَهَا.^۳

آماده حرکت شوید خدا شما را بیامرزد، که بانگ کوچ به گوش می‌آید. دلبستگی به دنیا را کم کنید و با زاد و توشه به سوی آخرت بشتابید که گردنه‌ای سخت و دشوار در پیش دارید و منزلی ترسناک و هولناک که به ناجار باید وارد آن شوید و در آن توقف کنید.

^۱ نهج البلاغه، ص ۳۸۴

^۲ نهج البلاغه، ص ۳۱۱

^۳ نهج البلاغه، ص ۳۲۱

فَإِنَّكُمْ لَوْ قَدْ عَايَنْتُمْ مَا قَدْ عَايَنَ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ لَجَزِعْتُمْ وَ وَهَلْتُمْ وَ سَمِعْتُمْ وَ أَطَعْتُمْ وَ لَكِنَّ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ مَا قَدْ عَايَنُوا وَ قَرِيبٌ مَا يُطْرَحُ الْحِجَابُ^۱

اگر آنچه را رفتگان می دیدند شما نیز مشاهده می کردید اندوه شما را فرا می گرفت و زاری می کردید و دستورات خداوند را می شنیدید و اطاعت می کردید. ولی آنچه مردگان می بینند بر شما پنهان است و به زودی پرده برای شما نیز کنار می رود.

فَإِنَّ الْغَايَةَ أَمَامَكُمْ وَ إِنَّ وَرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ تَخَفُّوْا تَلْحَقُوا فَإِنَّمَا يَنْتَظِرُ بِأَوْلِيكُمْ آخِرُكُمْ^۲

قیامت در برابر شماست و زمان شما را به جلو می راند. سبکبار شوید و دل برکنید تا به مقصد برسید. آنها که جلوتر از شما رفته اند انتظارتان را می کشند.

فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدًى وَ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ أَنْ يَنْزِلَ بِهِ وَ إِنَّ غَايَةَ تَنْقِصِهَا اللَّحْظَةُ وَ تَهْدِمُهَا السَّاعَةُ لِجَدِيرَةٍ بِقِصْرِ الْمُدَّةِ وَ إِنَّ غَايَةَ يَحْدُوهُ الْجَدِيدَانِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ لِحَرِيٍّ بِسُرْعَةِ الْأَوْبَةِ وَ إِنَّ قَادِمًا يَقْدَمُ بِالْفَوْزِ أَوْ الشَّقْوَةِ لِمُسْتَحِقٍّ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا^۳

خداوند سبحانه شما را بیهوده نیافریده است و شما را به حال خود رها نکرده است. بین شما و بهشت یا جهنم فاصله ای غیر از رسیدن مرگ نیست. زندگی که با لحظه ها کاهش می یابد و با مرگ نابود می شود واقعا کوتاه است. زندگی را شب و روز به پیش می رانند و خیلی زود به پایان می رسد.^۴ مسافری که به

^۱ نهج البلاغة ، ۶۲

^۲ نهج البلاغة ، ۶۳

^۳ نهج البلاغة ، ۹۵

^۴ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اباذر توصیه می کنند که در زمان، بیش از مال صرفه جویی کن: كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَّ مِنْكَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَ دِينَارِكَ (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ۷۶)

سوی سعادت یا شقاوت می‌رود باید بهترین توشه را برگزیند. پس در دنیا و از دنیا زاد و توشه‌ای بردارید تا فردا با آن از خودتان محافظت کنید.

أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَصَرَّمَتْ وَآذَنْتْ بِانْقِضَاءِ^۱... فَازْمَعُوا عِبَادَ اللَّهِ الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا
الرِّوَالِ وَ لَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ وَ لَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ فِيهَا الْأَمَدُ^۲

به هوش باشید که دنیا پایان یافت و در حال وداع است ... پس ای بندگان خدا کوچ کنید از این خانه‌ای که به طور قطع پایان آن مرگ است. مبادا آرزوها بر شما غلبه کند و مبادا مدت زندگی برای شما طولانی به نظر رسد.

حَتَّىٰ إِذَا قَامَ اعْتِدَالُهُ وَ اسْتَوَىٰ مِثْلَهُ نَفَرَ مُسْتَكْبِرًا وَ خَبَطَ سَادِرًا مَاتِحًا فِي غَرْبِ هَوَاهُ كَادِحًا سَعِيًّا لِدُنْيَاهُ فِي
لذَاتِ طَرِيهِ وَ بَدَوَاتِ أَرْبِهِ ثُمَّ لَا يَحْتَسِبُ رِزِيَةً وَ لَا يَخْشَعُ تَقِيَّةً فَمَاتَ فِي فِتْنَتِهِ غَرِيْرًا وَ عَاشَ فِي هَفْوَتِهِ يَسِيرًا
لَمْ يَفِدْ عَوْضًا^۳

آنگاه که جوانی رشید شد و قامتی رعنا یافت طغیان کرد و از خدا روی برگرداند و به بیراهه رفت. در هواپرستی غرق شد و برای دنیای خود تلاش بسیار کرد. سرمست شادیهای دنیا شد. گمان نمی‌کرد مصیبتی در پیش است و خشوع و تقوایی نداشت.

^۴ دنیا در نظر خردمندان چون سایه‌ای است که هنوز گسترش نیافته است بر می‌گردد: فَإِنَّهَا عِنْدَ ذَوِي الْعُقُولِ كَفَىٰ الظِّلُّ بَيْنَا
تَرَاهُ سَابِغًا حَتَّىٰ قَلَصَ (نهج البلاغه، ۹۴، ۶۳)

همچنین در توصیف دنیا می‌فرمایند: فریبی است بی‌دوام، نوری است رو به خاموشی و سایه‌ای است رو به نابودی. غُرُورٌ
حَائِلٌ وَ ضَوْءٌ أَفِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ (نهج البلاغه، ۱۰۸)

^۲ نهج البلاغه، ۸۹

^۳ نهج البلاغه، ۱۱۲

ناگهان مرگ او را که سرمست و فریب خورده است می‌ریاید. او که اندکی در بدبختی‌های دنیا زیسته است و در برابر سرمایه‌ای که از دست داده چیزی به دست نیاورده است.

إِنَّ لِلْمَوْتِ لَعَمْرَاتٍ هِيَ أَفْظَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرَقَ بِصَفَةٍ أَوْ تَعْتَدِلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا^۱

مرگ سختی‌هایی دارد که هولناکتر و ترسناکتر از آن است که بتوان بیان کرد و با عقل‌هایی اهل دنیا قابل درک نیست.

فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ عَلَى جَنَاحٍ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا وَ تَرَكَ الْأَحْبَةَ إِذْ عَرَضَ لَهُ عَارِضٌ مِنْ غُصَصِهِ فَتَحَيَّرَتْ نَوَافِدُ فِطْنَتِهِ وَ يَبَسَتْ رُطُوبَةُ لِسَانِهِ فَكَمْ مِنْ مُهَمٍّ مِنْ جَوَابِهِ عَرَفَهُ فَعِيَ عَنْ رَدِّهِ^۲

در آن حال که در آستانه ترک دنیا و جدایی از دوستان بود، ناگهان اندوه‌هایی سخت به او روی آورد. قوه فهم او متوقف شد و زبانش به خشکی گرایید. چه مطالب مهمی برای گفتن دارد که زبانش لال شده است.

ثُمَّ أُدْرِجَ فِي أَكْفَانِهِ مُبْلِسًا وَ جُذِبَ مُنْقَادًا سَلِسًا ثُمَّ أُلْقِيَ عَلَى الْأَعْوَادِ رَجِيعَ وَصَبٍ وَ نَضُو سَقَمٍ تَحْمِلُهُ حَفْدَةُ الْوِلْدَانِ وَ حَشْدَةُ الْإِخْوَانِ إِلَى دَارِ غُرْبَتِهِ وَ مُنْقَطِعِ زَوْرَتِهِ وَ مُفْرَدِ وَحْشَتِهِ^۳

او را با یأس در کفن می‌پوشانند. او را که تسلیم و رام است بر می‌دارند و در تابوت می‌گذارند. خسته و نحیف کوچ می‌کند. اقوام او را به دوش می‌کشند و تا خانه غربت پیش می‌برند. آنجا که دیگر او را نمی‌بینند و آنجا که جایگاه وحشت است.

^۱ نهج البلاغه، ۳۴۱

^۲ نهج البلاغه، ۳۴

^۳ نهج البلاغه، ۱۱۳

قَدْ غُوِّدِرَ فِي مَحَلَّةِ الْأَمْوَاتِ رَهِينًا وَ فِي ضَيْقِ الْمَضْجَعِ وَحِيدًا قَدْ هَتَكَتِ الْهَوَامُ جِلْدَتَهُ وَ أَبَلَّتِ النَّوَاهِكُ جِدَّتَهُ
وَ عَفَّتِ الْعَوَاصِفُ آثَارَهُ وَ مَحَا الْحَدَثَانُ مُعَالِمَهُ وَ صَارَتْ الْأَجْسَادُ شَحْبَةً بَعْدَ بَضَّتِهَا وَ الْعِظَامُ نُخْرَةً بَعْدَ قُوتِهَا وَ
الْأَرْوَاحُ مُرْتَهَنَةٌ بِثِقَلِ أَعْبَائِهَا مُوقِنَةٌ بِغَيْبِ أَنْبَائِهَا لَا تُسْتَزَادُ مِنْ صَالِحِ عَمَلِهَا وَ لَا تُسْتَعْتَبُ مِنْ سَيِّئِ زَلَلِهَا^۱

او را در سرزمین مردگان می‌گذارند و در تنگی قبر تنها می‌ماند. حشرات درون زمین پوستش را می‌شکافند. خشتهای قبر بدنش را می‌پوسانند و تند باد باقیماندهٔ جسد او را پراکنده می‌کند. شب و روز نشانه‌های او را نابود می‌کنند و بدنها با آن همه طراوت متلاشی می‌شوند و استخوانها با آنهمه مقاومت پوسیده می‌شوند. اما ارواح به سنگینی بار گناهان خود گرفتارند و در آنجاست که به اخبار غیب یقین پیدا می‌کنند. اما نه می‌توانند به کارهای نیک خود اضافه کنند و نه می‌توانند از کارهای زشت خود توبه کنند.

أَيْنَ الَّذِينَ عَمُرُوا فَنَعَمُوا^۲

آنها که عمر طولانی و نعمتهای فراوان داشتند، اکنون کجا هستند؟

فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُ مِنْكُمْ فِي أَيَّامٍ مَهْلَةٍ قَبْلَ إِرْهَاقِ أَجَلِهِ وَ فِي فَرَغِهِ قَبْلَ أَوَانِ شُغْلِهِ وَ فِي مُتَنَفِّسِهِ قَبْلَ أَنْ يُؤْخَذَ
بِكُظْمِهِ وَ لِيْمَهْدَ لِنَفْسِهِ وَ قَدَمَهُ وَ لِيَتَزَوَّدَ مِنْ دَارِ ظُعْنِهِ لِدَارِ إِقَامَتِهِ فَاللَّهُ اللَّهُ^۳

در مدتی که مهلت دارید، تا گرفتار نشده‌اید و فراغت دارید کار نیکی انجام دهید. در روزهای رهایی پیش از آنکه مرگ گلوگاه شما را فشار دهد. برای خود و جایی که می‌روید آماده شوید و از این دنیا که محل گذر است برای منزلگاه ابدی خود توشه‌ای بردارید. پس ای مردم خدا را خدارا ...

^۱ نهج البلاغة، ۱۱۱

^۲ نهج البلاغة، ۱۱۴

^۳ نهج البلاغة، ۱۱۶

تَطُّونَ فِي هَامِهِمْ وَتَسْتَنْبِتُونَ فِي أَجْسَادِهِمْ وَ تَرْتَعُونَ فِيمَا لَفْظُوا وَ تَسْكُنُونَ فِيمَا خَرَبُوا ... الَّذِينَ كَانَتْ لَهُمْ
مَقَاوِمُ الْعِزِّ وَ حَلَبَاتُ الْفَخْرِ مُلُوكًا وَ سَوْقَاسَلَكُوا فِي بُطُونِ الْبَرْزَخِ سَبِيلًا سَلَّطَتِ الْأَرْضُ عَلَيْهِمْ فِيهِ فَأَكَلَتْ مِنْ
لُحُومِهِمْ وَ شَرِبَتْ مِنْ دِمَائِهِمْ فَأَصْبَحُوا فِي فِجَواتِ قُبُورِهِمْ جَمَادًا لَا يَنْمُونُ^١

بر روی کاسه‌های سر آنها راه می‌روید و در اجساد آنها زراعت می‌کنید. از میراث آنها می‌خورید و در
خرابه‌های آنها ساکن شده‌اید ... آنها دارای عزتی پایدار و مراتب افتخار بودند. پادشاهان حاکم یا رعیت
سرافراز بودند که به آتش جهنم سقوط کردند. زمین آنها را در خود گرفت. از گوشت بدنهای آنها خورد و
از خون آنها نوشید. پس در شکاف گورها بی‌جان و بی‌حرکت پنهان مانده‌اند.

□ قَدْ ارْتَسَخَتْ أَسْمَاعُهُمْ بِالْهَوَامِّ فَاسْتَكَّتْ وَ اِكْتَحَلَتْ أَبْصَارُهُمْ بِالْتُّرَابِ فَخَسَفَتْ وَ تَقَطَّعَتِ الْأَلْسِنَةُ فِي أَفْوَاهِهِمْ
بَعْدَ ذَلَالَتِهَا وَ هَمَدَتِ الْقُلُوبُ فِي صُدُورِهِمْ بَعْدَ يَقْظَتِهَا وَ□

گوشه‌های آنها خوراک حشرات شده و چشمهای آنها با خاک سرمه شده و پر شده است. زبانهایی که شیرین
سخن بودند در دهان پاره شده است. قلبهایی که بیدار بودند در سینه‌ها خاموش شده است.

فَأَنِّي تُؤْفِكُونَ أَمْ أَيْنَ تُصْرَفُونَ أَمْ بِمَا ذَا تَعْتَرُونَ وَ إِنَّمَا حَظُّ أَحَدِكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ذَاتِ الطُّولِ وَ الْعَرْضِ قِيدُ قَدِّهِ
مُتَعَفِّرًا عَلَى خَدِّهِ الْآنَ عِبَادَ اللَّهِ وَ الْخِنَاقُ مُهْمَلٌ وَ الرُّوحُ مُرْسَلٌ^٢

پس کی بر می‌گردید؟ کجا می‌روید؟ چه چیز شما را فریب داده است؟ بهره شما از زمین به اندازه طول و
عرض قامت شماست در حالی که صورت شما را بر خاک خواهند گذاشت. پس اکنون کار نیکی انجام
دهید. تا گلوی شما از ریسمان مرگ آزاد است و تا روح شما در انجام اعمال آزاد است.

^١ نهج البلاغة ، ٣٣٩

^٢ نهج البلاغة ، ٣٤١

^٣ نهج البلاغة ، ١١٤

فَإِنَّ الدُّنْيَا أَدْبَرَتْ وَ أَدْنَتْ بُودَاعٍ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَ أَشْرَفَتْ بِاطَّلَاعِ آلَا وَ إِنَّ الْيَوْمَ الْمَضْمَارَ وَ غَدَا السَّبَاقِ
 وَ السَّبْقَةُ الْجَنَّةُ وَ الْعَايَةُ النَّارُ أ فَلَا تَأْتِبُ مِنْ حَظِيئَتِهِ قَبْلَ مَنِيَّتِهِ أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ فِي
 أَيَّامٍ أَمَلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ فَمَنْ عَمَلَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَ لَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ وَ مَنْ قَصَرَ
 فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ خَسِرَ عَمَلُهُ وَ ضَرَّهُ أَجَلُهُ أَلَا فَاعْمَلُوا فِي الرَّغْبَةِ كَمَا تَعْمَلُونَ فِي الرَّهْبَةِ أَلَا وَ
 إِنِّي لَمْ أَرَ كَالْجَنَّةِ نَامٍ طَالِبَهَا وَ لَمْ يَكُنْ نَامٌ هَارِبَهَا أَلَا وَ إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَنْفَعُهُ الْحَقُّ يَضُرُّهُ الْبَاطِلُ وَ مَنْ لَمْ يَسْتَقِيمْ بِهِ
 الْهُدَى يَجْرُ بِه الضَّلَالُ إِلَى الرَّدَى أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ أَمَرْتُمْ بِالظُّعْنِ وَ دَلَلْتُمْ عَلَى الزَّادِ وَ إِنَّ أَخُوفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ
 اثْنَتَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدَا^۱

دنیا به شما پشت کرده و در حال وداع است. آخرت به شما رو کرده و آشکار شده است... امروز روز
 تمرین است و فردا مسابقه است. مسابقه به طرف بهشت است و آنکه عقب بماند در آتش است. آیا کسی
 نیست که قبل از مرگ خود توبه کند. آیا کسی نیست که قبل از روز سختی قیامت برای خود کاری کند.
 آگاه باشید که در دوران امید و آرزو هستید و این دوران پایانی دارد. پس کسی که در دوران امید و قبل از
 پایان مهلت خود به دستورات خدا عمل کند عمل او به نفع اوست و با مرگ ضرر نمی کند. اما کسی که در
 دوران امید و قبل از مرگ در عمل به دستورات خداوند کوتاهی کند در عمل خسارت خواهد دید و در
 پایان مهلت ضرر خواهد کرد. همان گونه که در هنگام ترس از مرگ عمل می کنید در وقت آسودگی نیز
 عمل کنید. من گوهری مانند بهشت را ندیدم که طالب آن در خواب باشد و عذابی مانند جهنم را ندیدم که
 گریزان از آن در خواب باشد. اگر از حق بهره ای نبرید باطل به شما ضرر می رساند و اگر به راه راست
 هدایت نشوید به گمراهی و ضلالت دچار خواهید شد. به کوچ کردن امر شده اید و از زاد و توشه آگاه
 شده اید. در دو چیز بیش از همه نگران شما هستیم: پیروی هوسها و طول آرزو. پس در دنیا و از دنیا زاد و
 توشه ای بردارید تا فردا شما را نجات دهد.

^۱ نهج البلاغة ، ۷۱-۷۲

امیر المومنین علیه السلام: يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ... يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا جَرَّكَ عَلَى ذَنْبِكَ وَمَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ وَمَا أَنْسَكَ بِهَلَكَةِ نَفْسِكَ أَمْ مِنْ دَائِكَ بُلُولٌ أَمْ لَيْسَ مِنْ نَوْمَتِكَ يَقْظَةٌ أَمْ تَرْحَمُ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَرْحَمُ مِنْ غَيْرِكَ ... فَمَا صَبَّرَكَ عَلَى دَائِكَ وَجَلَدَكَ عَلَى مُصَابِكَ وَعَزَّكَ عَنِ الْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِكَ وَهِيَ أَعَزُّ الْأَنْفُسِ عَلَيْكَ ... وَكُنْ لِلَّهِ مُطِيعًا وَبِذِكْرِهِ آنسًا وَتَمَثَّلْ فِي حَالِ تَوَلَّيْكَ عَنْهُ إِقْبَالَهِ عَلَيْكَ يَدْعُوكَ إِلَى عَفْوِهِ وَتَتَغَمَّدُكَ بِفَضْلِهِ وَأَنْتَ مُتَوَلِّئٌ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَتَعَالَى مِنْ قُوَى مَا أَكْرَمَهُ وَتَوَاضَعْتَ مِنْ ضَعِيفٍ مَا أَجْرَأَكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَأَنْتَ فِي كَنْفِ سِتْرِهِ مُقِيمٌ وَفِي سَعَةِ فَضْلِهِ مُتَقَلِّبٌ^١

ای انسان چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت فریب داد. ... ای انسان چه چیز تو را بر گناه جرأت داده است؟ چه چیز تو را در برابر پروردگارت مغرور ساخته است؟ چه چیز تو را بر هلاکت خود علاقه مند کرده است؟ آیا بیماری تو را درمان نیست؟ آیا خواب غفلت تو بیداری ندارد؟ چرا آنگونه که به دیگران رحم می کنی، به خود رحم نمی کنی؟ ... چه چیز تو را به درد عادت داد و بر مصیبتی که می کشی شکیبیا کرد؟ چه چیز مانع گریستن تو به حال خود شده است. مگر جان تو برای تو عزیزترین جانها نیست.

... مطیع خداوند باش و با یاد او انس داشته باش. و بدان که در همان لحظه که تو از خدا روی می گردانی او روی به تو دارد و تو را به عفو خود می خواند و با فضل خود می پوشاند. اما تو از او روی بر می گردانی و به غیر او توجه می کنی. پس چه نیرومند و بزرگوار است خداوند و تو ای انسان چه ناتوان و بی مقدار هستی. چه چیز به تو جرأت معصیت خداوند را داده است. در حالی که در پرتو نعمت او قرارداری و در سایه رحمت او آرمیده ای.

وَ أَوْصِيَكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِقْلَالِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ وَكَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يَغْفِلُكُمْ وَطَمَعَكُمْ فِيمَنْ لَيْسَ يَمُهَلِكُمْ فَكَفَىٰ وَاعْظَا بِمَوْتِي عَايِنْتُمُوهُمْ حَمَلُوا إِلَيَّ قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ وَأَنْزَلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ فَكَاثِمُهُمْ لَمْ يَكُونُوا

^١ نهج البلاغة ، ٣٤٥

لِلدُّنْيَا عُمَارًا وَكَانَ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارًا أَوْحَشُوا مَا كَانُوا يُوطِنُونَ وَأَوْطِنُوا مَا كَانُوا يُوحِشُونَ وَاشْتَغَلُوا بِمَا
فَارَقُوا وَأَضَاعُوا مَا إِلَيْهِ انْتَقَلُوا لَا عَنْ قَبِيحٍ يَسْتَطِيعُونَ انْتِقَالَ وَلَا فِي حَسَنٍ يَسْتَطِيعُونَ ازْدِيَادًا اُنْسُوا بِالْدُنْيَا
فَغَرَّتْهُمْ وَوَتَّقُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ

فَسَابِقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَىٰ مَنَازِلِكُمُ الَّتِي أُمِرْتُمْ أَنْ تَعْمُرُوهَا وَالَّتِي رَغِبْتُمْ فِيهَا وَدُعِيتُمْ إِلَيْهَا وَاسْتَمْتُمُوا نِعْمَ اللَّهُ
عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَىٰ طَاعَتِهِ وَالْمُجَانِبَةِ لِمَعْصِيَتِهِ فَإِنَّ غَدًا مِنَ الْيَوْمِ قَرِيبٌ مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْيَوْمِ وَأَسْرَعَ
الْأَيَّامِ فِي الشَّهْرِ وَأَسْرَعَ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ وَأَسْرَعَ السِّنِينَ فِي الْعُمُرِ^١

شما را به یادآوری مرگ سفارش می‌کنم. کمتر از مرگ غفلت کنید. چگونه مرگ را فراموش می‌کنید در حالی که او شما را فراموش نمی‌کند. چگونه به فرار از مرگی طمع دارید که به شما مهلت نمی‌دهد. اموات برای عبرت گرفتن کافی هستند. آنها را می‌بینید که به گور خود حمل می‌شوند، بدون آنکه بر مرکبی سوار باشند. آنها را در قبر گذاشتند بدون آنکه خود فرود آیند. [چنان از یاد رفتند که] گویی آبادکنندگان دنیا نبودند. گویا آخرت همیشه خانه آنها بوده است. از دنیایی که وطن خود می‌پنداشتند بریدند و در جایی آرام گرفتند که از آن می‌گریختند. به چیزی دلبسته بودند که از آن جدا شدند و آخرتی را که به آن منتقل شدند ضایع کردند. اکنون نه می‌توانند از کارهای بد خود جدا شوند و نه می‌توانند کارهای خیر خود را افزایش دهند. دنیایی که با آن انس داشتند فریشان داد و دنیایی که به آن تکیه کردند آنها را زمین زد.

خدا شما را بپامرزد به سوی خانه‌هایی بشتابید که شما را به آباد کردن آن امر کرده‌اند و شما را تشویق کرده و به آن دعوت کرده‌اند. با صبر در اطاعت خداوند و پرهیز از معصیت نعمتهای خدا را بر خود کامل کنید. فردای قیامت به امروز نزدیک است. ساعتهای روز، روزهای ماه و ماههای سال و سالهای عمر چه شتابان می‌گذرند.

^١ نهج البلاغة، ٢٧٨.

امیرالمومنین علیه السلام: بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ عُمْراً نَاقِساً أَوْ مَرَضاً حَاسِياً أَوْ مَوْتاً خَالِساً^۱

در عمل شتاب کنید پیش از آنکه عمرتان تمام شود یا بیماری مانع عمل شود یا تیر مرگ شما را هدف قرار دهد.

امام صادق علیه السلام: إِنَّ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ ... يَا مُبْتَغِيَ الْعِلْمِ لَا يَشْغَلْكَ أَهْلٌ وَ لَا مَالٌ عَنْ نَفْسِكَ أَنْتَ يَوْمَ تَفَارِقُهُمْ كَضَيْفٍ بَتَّ فِيهِمْ ثُمَّ غَدَوْتَ مِنْ عِنْدِهِمْ إِلَى غَيْرِهِمْ وَ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةُ كَمَنْزِلٍ نَزَلَتْهُ ثُمَّ عَدَلْتَ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ وَ مَا بَيْنَ الْمَوْتِ وَ الْبَعْثِ إِلَّا كَنَوْمَةٍ نَمْتَهَا ثُمَّ اسْتَيْقِظْتَ مِنْهَا يَا مُبْتَغِيَ الْعِلْمِ قَدِمَ لِمَقَامِكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِنَّكَ مَرْتَهَنٌ بِعَمَلِكَ وَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ يَا مُبْتَغِيَ الْعِلْمِ صَلِّ قَبْلَ أَنْ لَا تَقْدِرَ عَلَى لَيْلٍ وَ لَا نَهَارٍ تُصَلِّيَ فِيهِ إِلَّا مَا مَثَلُ الصَّلَاةِ لِصَاحِبِهَا ... كَمَثَلِ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَى سُلْطَانٍ فَأَنْصَتَ لَهُ حَتَّى فَرَغَ مِنْ حَاجَتِهِ كَذَلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ^۲

ابوذر در موعظه خود می گفت: ... ای جوینده دانش خانواده و ثروت تو را از خودت غافل نکند. روزی که از آنها جدا می شوی مانند مهمانی هستی که شبی نزد آنها بوده ای و صبح از آنها جدا می شوی و به جایی دیگر کوچ می کنی. دنیا و آخرت مانند دو منزل هستند که از یکی به دیگری می روی. بین مرگ و قیامت نیز مانند خوابی است که تو را می رباید و بیدار می شوی. ای جوینده دانش برای حضور در برابر خداوند آماده شو که سرنوشت تو به عملت بستگی دارد. آنگونه که عمل می کنی جزا داده می شوی. نماز بخوان پیش از آنکه شب و روزی را نیابی که در آن نماز بخوانی. کسی که نماز می خواند مانند کسی است که بر

^۱ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۵، ۴۵۱

^۲ الجواهر السنية في الأحاديث القدسية (کلیات حدیث قدسی)، ۱۶۲

پادشاهی وارد شده است و آن پادشاه به او گوش می‌دهد تا نیازش را بیان کند. انسان مسلمان هم آنگاه که در نماز است خداوند مدام تا پایان نماز به او نظر دارد.

حدیث قدسی: من لم یؤمن بقضائی و لم یصبر علی بلائی و لم یشکر نعمائی فلیتخذ رباً سوائی. من أصبح حزیناً علی الدنيا فقد أصبح ساخطاً علی...^۱

یا ابن آدم، ما من یوم جدید إلّا و یأتی فیهِ رزقک من عندی، و ما من لیلۃ إلّا و تأتی الملائکۃ من عندک بعمل قبیح، خیری إلیک نازل، و شرک إلیّ صاعد.

یا بنی آدم، أطيعونی بقدر حاجتکم إلیّ، و اعصونی بقدر صبرکم علی النار، و اعملوا للدنیا بقدر لبثکم فیها، و تزودوا للآخرة بقدر مکتکم فیها.^۱

کسی که به قضای من ایمان ندارد و بر بلای من صبر نمی‌کند و بر نعمتهای من شکر نمی‌کند پس خدایی غیر از من بیابد. کسی که از دنیا ناراضی است از من ناراضی است...

ای فرزند آدم هیچ روز جدیدی نیست مگر آنکه رزق تو را می‌دهم و هیچ شبی نیست که ملائکه گناهی از تو گزارش نکنند. من مدام به تو خوبی می‌کنم و تو مدام به من بدی می‌کنی.

ای فرزندان آدم به اندازه نیازی که به من دارید عبادت کنید و به اندازه صبری که بر آتش دارید گناه کنید. برای دنیا به اندازه‌ای که در آن می‌مانید تلاش کنید و برای آخرت به اندازه‌ای که در آن توقف دارید توشه بردارید.

یا ابن آدم، أكثر من الزاد إلی طریق بعید، و خفف الحمل فالصراط دقیق، و أخلص العمل فإن الناقد بصیر، و آخر نومک إلی القبور، و فخرک إلی المیزان، و لذاتک إلی الجنة، و کن لی أکن لک، و تقرب إلی بالاستهانة بالدنیا تبعد عن النار.

^۱ الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)، ۱۶۲

یا ابن آدم، لیس من انکسر مرکبه و بقی علی لوحه فی البحر بأعظم مصیبه منک، لأنک من ذنوبک علی یقین، و من عملک علی خطر.^۱

ای فرزند آدم برای راهی طولانی توشه بسیار بردار. دلبستگی‌هایت را کم کن که راه سختی در پیش داری. عملت را خالص کن که حسابگر آگاه و بصیر است. خواب خود را برای قبر، فخرفروشی را برای قیامت و لذت را برای بهشت بگذار. برای من باش تا برای تو باشم. با بی‌اعتنایی به دنیا به من نزدیک و از آتش دور شو.

ای فرزند آدم مصیبت تو از کسی که کشتی او شکسته و بر تخته‌ای در دریا سرگردان مانده بیشتر است. چون تو به گناهان خود یقین داری و به عمل خود تردید داری.

ای هشام^۲

امام صادق علیه‌السلام: یا هشامُ مِنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ مَنْ أَظْلَمَ نُورَ تَفَكُّرِهِ بِطُولِ أَمَلِهِ وَمَا طَرَأَتْ حِكْمَتَهُ بِفُضُولِ كَلَامِهِ وَأَطْفَأَ نُورَ عِبْرَتِهِ بِشَهَوَاتِ نَفْسِهِ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ وَمَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ أَفْسَدَ عَلَيْهِ دِينُهُ وَدُنْيَاهُ يَا هِشَامُ كَيْفَ يَزُكُّوْا عِنْدَ اللَّهِ عَمَلُكَ وَأَنْتَ قَدْ شَغَلْتَ قَلْبَكَ عَنْ أَمْرِ رَبِّكَ وَأَطَعْتَ هَوَاكَ عَلَى غَلْبَةِ عَقْلِكَ^۳

ای هشام کسی که سه چیز را بر سه چیز مسلط کند به زوال عقل خود کمک کرده است. کسی که نور تفکر را با آرزوهای دور و دراز خاموش کند و ظرافت‌های حکمت خود را با سخنان بی فایده از بین ببرد و چشم عبرت را با شهوت‌های نفسانی نابینا کند. چنین کسی گویی هوای نفس را در شکست دادن عقل یاری کرده است. و کسی که عقلش را نابود کند دین و دنیای خود را از دست می‌دهد. هشام تو چگونه عمل خود را

^۱ الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)، ۱۶۲

^۲ سفارش‌های اخلاقی حضرت امام صادق علیه‌السلام به هشام حدیثی طولانی است که در اینجا چند فراز از آن انتخاب شده است.

^۳ الکافی، ج ۱، ۱۶

نزد خداوند کامل می‌دانی در حالی که دل تو از امر خداوند در غفلت است و در شکست دادن عقل خود از هواهای نفس پیروی می‌کنی.

امام صادق علیه السلام: يَا هِشَامُ الصَّبْرُ عَلَى الْوَحْدَةِ عَلَامَةُ قُوَّةِ الْعَقْلِ فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا وَالرَّاعِبِينَ فِيهَا وَرَغِبَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ أُنْسَهُ فِي الْوَحْشَةِ وَصَاحِبَهُ فِي الْوَحْدَةِ وَغِنَاهُ فِي الْعَيْلَةِ^۱ وَ مُعَزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ^۲

تحمل تنهایی نشانه کمال عقل است. کسی که با عقل خداوند را شناخت^۳ از اهل دنیا و دلبستگان به دنیا کناره می‌گیرد و به آنچه نزد خداوند است دل می‌بندد و خداوند در وحشتها انیس اوست و در تنهایی همراه اوست. خداوند در هنگام فقر او را غناست و بدون هیچ خاندانی او را عزیز می‌کند.

امام صادق علیه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالذُّونِ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ وَلَمْ يَرْضَ بِالذُّونِ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا - فَذَلِكَ رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكُوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الذُّنُوبَ وَ تَرَكَ الدُّنْيَا مِنَ الْفَضْلِ وَ تَرَكَ الذُّنُوبَ مِنَ الْفَرَضِ يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ نَظَرَ إِلَى الدُّنْيَا وَ إِلَى أَهْلِهَا فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ وَ نَظَرَ إِلَى الْآخِرَةِ فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ فَطَلَبَ بِالْمَشَقَّةِ أَبْقَاهُمَا يَا هِشَامُ إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَ رَغَبُوا فِي الْآخِرَةِ^۴

ای هشام خردمند به اندکی از دنیا همراه با حکمت راضی است و به حکمت اندک همراه با دنیا راضی نیست و به همین دلیل خردمندان تجارتی بر سود دارند. ای هشام خردمندان تجملات دنیا را ترک می‌کنند تا چه رسد به گناهان. در حالی که ترک دنیا فضیلت است و ترک گناهان فریضه است. ای هشام خردمند به دنیا و اهل دنیا می‌نگرد و متوجه می‌شود که فقط با سختی به دست می‌آید و به آخرت می‌نگرد و متوجه می‌شود که فقط با سختی به دست می‌آید. پس با سختی به دنبال آخرتی می‌رود که ماندگارتر است. ای هشام خردمندان در دنیا زهد می‌ورزند و طالب آخرت هستند.

^۱ العیلة الفقیر

^۲ الکافی، ج ۱، ۱۷

^۳ یا آنکه خداوند به او عقل عطا کند.

^۴ الکافی، ج ۱، ۱۷

امام صادق علیه السلام: يَا هِشَامُ مَنْ أَرَادَ الْغِنَى بِلَا مَالٍ وَرَاحَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْحَسَدِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْأَلَتِهِ بَأَنَّ يُكْمَلَ عَقْلُهُ فَمَنْ عَقَلَ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ اسْتَغْنَى وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ بِمَا يَكْفِيهِ لَمْ يُدْرِكِ الْغِنَى أَبَدًا^۱

ای هشام کسی که می خواهد بدون مال بی نیاز شود و دل او از حسد در امان باشد و دین او کامل باشد، به درگاه خداوند عزوجل گریه و زاری کند و از خدا بخواهد تا عقل او را کامل کند. اگر عاقل شد به قدر کفایت قانع است و چنین کسی بی نیاز است. اما کسی که به قدر کفایت قانع نباشد، هیچ گاه بی نیازی را احساس نخواهد کرد.

ولایت

امام صادق علیه السلام: أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ^۲

پایه اسلام محبت به ما اهل بیت است.

امام باقر علیه السلام: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَحَجِّ الْبَيْتِ وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ فَجُعِلَ فِي أَرْبَعٍ مِنْهَا رُخْصَةٌ وَلَمْ يُجْعَلْ فِي الْوَلَايَةِ رُخْصَةٌ مِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ لَمْ تَكُنْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ فَلَيْسَ عَلَيْهِ حَجٌّ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا صَلَّى قَاعِدًا وَ أَفْطَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ الْوَلَايَةُ صَحِيحًا كَانَ أَوْ مَرِيضًا أَوْ ذَا مَالٍ أَوْ لَا مَالٍ لَهُ فَهِيَ لَازِمَةٌ^۳

اسلام بر پنج رکن استوار است. اقامه نماز و دادن زکات و حج خانه خدا و روزه ماه رمضان و ولایت ما اهل بیت. در چهار رکن آن رخصت وجود دارد اما در ولایت رخصتی نیست. کسی که مال ندارد زکات و

^۱ الکافی، ج ۱، ۱۷

^۲ تحف العقول، ۳۰۷

^۳ وسائل الشیعة، ج ۱، ۲۳

حج بر او واجب نیست. کسی که بیمار است نمازش نشسته است و روزه بر او واجب نیست. اما ولایت بر همه اعم از سالم و بیمار، فقیر و غنی لازم است.^۱

إمام صادق عليه السلام: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ حَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ يَعْرِفُنَا أَنْ يَعْرِضَ عَمَلَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ عَلَى نَفْسِهِ فَيَكُونَ مُحَاسِبًا نَفْسَهُ فَإِنْ رَأَى حَسَنَةً اسْتَزَادَ مِنْهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً اسْتَغْفَرَ مِنْهَا لئَلَّا يَخْزَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲

ای ابن جندب بر هر مسلمانی که به اهل بیت معرفت دارد لازم است که در هر شبانه روز اعمال خویش را مرور کند و از خود حساب بکشد. پس اگر کار نیکویی یافت به دنبال افزایش آن باشد و اگر گناهی یافت از آن توبه کند تا در قیامت خوار و ذلیل نشود.

إمام صادق عليه السلام: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ لَوْ أَنَّ شِيعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ وَ لَأَظْلَمُ الْعَمَامُ وَ لَأَشْرَقُوا نَهَارًا وَ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ لَمَا سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُمْ^۳

ای ابن جندب اگر شیعیان ما استقامت کنند فرشتگان دست در دست آنها می دهند و ابرها بر آنها سایه می گسترانند و چهره‌هایی درخشان خواهند داشت؛ از زمین و آسمان روزی آنها می رسد و هر چه از خداوند بخواهند او به آنها عطا می کند.

^۱ در روایت دیگر است که معرفت ائمه علیهم السلام افضل اعمال است و فاتحه و خاتمه دیگر ارکان دین است: امام صادق علیه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ، وَ لَا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَ الصَّلَاةَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الزَّكَاةَ، وَ لَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الصَّوْمَ، وَ لَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الْحَجَّ، وَ فَاتِحَةُ ذَلِكَ كُلِّهِ مَعْرِفَتُنَا، وَ خَاتِمَتُهُ مَعْرِفَتُنَا، (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۷، ۲۰۲)

^۲ تحف العقول، ۳۰۲

^۳ تحف العقول، ۳۰۳

إمام صادق عليه السلام: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ بَلِّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَ قُلْ لَهُمْ لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ فَوَ اللَّهُ لَا تُنَالُ
وَلَا يُتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَ مُوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ^١
ای ابن جندب به شیعیان ما سلام برسان و بگو مبادا مکاتب و فرقه‌های ساختگی شما را منحرف کنند. به
خدا قسم ولایت ما به دست نمی‌آید مگر با تقوی و تلاش در دنیا و نیکی به برادران به خاطر خدا. آنکه به
مردم ظلم کند شیعه ما نیست.

امام باقر علیه السلام: لَا تَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعًا لِلَّهِ تَنَفَعَهُ وَ لَّا يُتَنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ
عَاصِيًا لِلَّهِ لَمْ تَنَفَعَهُ وَ لَّا يُتَنَا وَ يَحْكُمُ لَا تَغْتَرُّوا وَ يَحْكُمُ لَا تَغْتَرُّوا.^٢

ما فقط با عبادت به خدا نزدیک می‌شویم. پس هر که از شما شیعیان مطیع خداوند باشد ولایت ما برای او
سودمند است. اما هر که گناهکار باشد ولایت ما برای او سودی ندارد. وای بر شما فریب نخورید. وای بر
شما فریب نخورید.

مُحَمَّدُ بْنُ عَجَلَانَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَدَخَلَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ فَسَأَلَهُ كَيْفَ مِنْ خَلْفَتَ مِنْ إِخْوَانِكَ قَالَ
فَأَحْسَنَ الشَّاءِ وَ زَكَّى وَ أَطْرَى^٣ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ عِبَادَةُ أَغْنِيَاهُمْ عَلَى فَقَرَائِهِمْ فَقَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ وَ كَيْفَ مُشَاهَدَةٌ

^١ تحف العقول، ٣٠٣

^٢ الکافی، ج ٢، ٧٦

^٣ الاطراء مجاوزة الحد في المدح و الكذب فيه.

أَغْنِيَانَهُمْ لِفُقْرَائِهِمْ^۱ قَالَ قَلِيلَةٌ قَالَ فَكَيْفَ صَلَّةُ أَغْنِيَانِهِمْ لِفُقْرَائِهِمْ فِي ذَاتِ أَيْدِيهِمْ فَقَالَ إِنَّكَ لَتَذَكُرُ أَخْلَاقًا قَلَّ مَا هِيَ فِيمَنْ عِنْدَنَا قَالَ فَقَالَ فَكَيْفَ تَزْعُمُ هَوْلَاءُ أَنَّهُمْ شِيعَةٌ.

محمد بن عجلان می‌گوید: نزد امام صادق علیه‌السلام بودم که فردی نزد حضرت آمد. حضرت از همشهری‌های او پرسید و او نیز آنها را بسیار مدح و ستایش کرد. حضرت پرسیدند: اغنیا چه اندازه از فقرا عیادت می‌کنند؟ آن فرد گفت: کم. حضرت پرسیدند: اغنیا چه اندازه فقرا را می‌بینند. آن فرد گفت: کم. حضرت پرسیدند: اغنیا با اموالی که در دست دارند چگونه از فقرا دستگیری می‌کنند. آن فرد گفت شما از اخلاقی سخن می‌گویید که نزد ما کمتر وجود دارد. حضرت فرمودند: پس چگونه آنها خود را شیعه می‌دانند^۲

امام صادق علیه‌السلام: يَا إِسْحَاقَ بْنَ فَرُوحَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَلَّائِهِ مِائَةً مَرَّةً وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِائَةً مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَلَّائِهِ مِائَةً مَرَّةً مَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا^۳.

آنکه بر پیامبر و آلش ده صلوات بفرستد خداوند و ملائکه بر او صد صلوات می‌فرستند و آنکه بر پیامبر و آلش صد صلوات بفرستد خداوند و ملائکه بر او هزار صلوات می‌فرستند. آیا این کلام خداوند عز و جل را نشنیده‌ای که «اوست که همراه ملائکه‌اش بر شما صلوات می‌فرستد تا شما را از تاریکیها به نور وارد کند و خداوند بر مومنین رحیم است.»

^۱ (۳) المراد به حسن النظر و الالتفات الى الفقراء.

^۲ الكافي، ج ۲، ۱۷۳،

^۳ الكافي، ج ۲، ۴۹۳،

عَنْ أَبِي أُسَامَةَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اقْرَأْ عَلَيَّ مِنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِي مِنْهُمْ وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَامَ وَ أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْوَرَعَ فِي دِينِكُمْ وَ الْجَاهِدِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ فِيهِذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ ص.^١

ابو اسامه می گوید: امام صادق علیه السلام به من گفت: به کسی که فکر می کنی مطیع من است و به سخن من عمل می کند سلام برسان و بگو شما را سفارش می کنم به ترس از خداوند عزوجل، پارسایی در دین خود، تلاش برای خداوند، صدق در گفتار، امانتداری، سجده طولانی و نیکی به همسایه. که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای این امور مبعوث شدند.^٢

أَبُو بَصِيرٍ: رَفَعَ يَدَهُ وَ بَكَى وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشَرِّ ذِمَّةٍ قَلِيلُونَ فَاجْعَلْ مَحْيَانَنَا مَحْيَاهُمْ وَ مَمَاتَنَا مَمَاتَهُمْ وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا لَكَ فَتُفْجِعَنَا بِهِمْ فَإِنَّكَ إِنْ أَفْجَعْتَنَا بِهِمْ لَمْ تُعَبِّدْ أَبَدًا فِي أَرْضِكَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.^٣

امام صادق علیه السلام دست مبارک خود را بالا بردند و گریستند و اینگونه در حق شیعه دعا فرمودند: خداوندا شیعیان ما باقیمانده اندکی هستند. پس زندگی ما را زندگی آنها و مرگ ما را مرگ آنها قرار بده و

١ الكافي، ج ٢، ٦٣٦

٢ در ادامه حضرت علیه السلام سفارش می فرمایند که مراقب رفتار خود باشید که بلا و عار رفتار شما بر امام معصوم است :
أَدُوا الْأَمَانَةَ إِلَيَّ مِنْ أَيْدِيكُمْ عَلَيْهَا بَرًّا أَوْ فَاجِرًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَأْمُرُ بِأَدَاءِ الْخَيْطِ وَ الْمَخِيْطِ - صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عَوَدُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَدُوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ وَ آدَى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قَبِلَ هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَ قَبِلَ هَذَا آدَبُ جَعْفَرٍ وَ إِذَا كَانَ عَلَيَّ غَيْرَ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَ عَارُهُ وَ قَبِلَ هَذَا آدَبُ جَعْفَرٍ فَوَلَّى اللَّهُ لِحَدِيثِي أَبِي عَ أَنْ الرَّجُلَ كَانَ يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عَ فَيَكُونُ زِينَهَا آدَاهُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَقْضَاهُمْ لِلْحَقُوقِ وَ أَصْدَقَهُمْ لِلْحَدِيثِ إِلَيْهِ وَ صَايَاهُمْ وَ وَدَائِعُهُمْ تُسَالُّ الْعَشِيرَةَ عَنْهُ فَتَقُولُ مِنْ مِثْلِ فُلَانٍ إِنَّهُ لَأَدَانَا لِلْأَمَانَةِ وَ أَصْدَقْنَا لِلْحَدِيثِ

٣ الكافي، ج ١، ٤٠٢

دشمن خود را بر آنها مسلط نکن که ما با آنها مصیبت زده می شویم. اگر ما به واسطه آنها فاجعه ای بینیم تو هرگز در زمین خود عبادت نخواهی شد. وصلى الله على محمد و اله و سلم تسليما.

منابع

۱. : قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للمصدق) جامعه مدرسین ایران؛ قم: ۱۳۹۸ ق
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱ جلد، دار الشریف الرضی للنشر - قم، چاپ: دوم، ۶۱۴ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ۲ جلد، کتاب فروشی داوری - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ۱ جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق
۷. یرقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ۲ جلد، دار الکتب الإسلامیة - قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ ق
۸. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ۲ جلد، الشریف الرضی - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ق
۹. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ۱ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)، ۱ جلد، آستان قدس رضوی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.
۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصالحی صالح)، ۱ جلد، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق

١٢. شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)،
جلد، انتشارات دهقان - تهران، چاپ: سوم، ١٣٨٠ ش
١٣. شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ٣٠ جلد،
مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ١٤٠٩ ق
١٤. عده ای از علماء، الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)، ١ جلد، دار الشبستری للمطبوعات -
قم، چاپ: اول، ١٣٦٣ ش.
١٥. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیة)، ٨ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران،
چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق.
١٦. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - دارالحدیث)، ١٥ جلد، دار الحدیث - قم، چاپ:
اول، ١٤٢٩ ق.
١٧. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (لللیثی)، ١ جلد، دار الحدیث - قم، چاپ: اول،
١٣٧٦ ش
١٨. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)،
١١١ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ ق.
١٩. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ٢٦ جلد، دار الکتب
الإسلامیة، تهران، : ١٤٠٤ ق
٢٠. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید، ایران؛ قم، ١٤١٣ ق
٢١. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ٢٨ جلد، مؤسسه آل البيت
علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ١٤٠٨ ق